

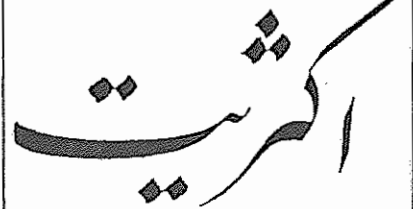
بمباران هوایی تهران

* بار دیگر خطر جنگ شهرها مردم دو کشور را تهدید می کند

رژیم خمینی بلافاصله پس از حمله هوایی روز شنبه اعلام کرد بغداد و بصره را هدف حملات خود قرار خواهد داد. طبق معمول، بلندگوهای رژیم، عوامفریبانه مردم این دو شهر عراق را به ترک بغداد و بصره دعوت کردند.

بار دیگر، جنون جنگ طلبی و آدم کشی خمینی و صدام حسین قربانی می گیرد. خطر جنگ شهرها باز مردم دو کشور را تهدید می کند در شرایطی که تلاش ها، بقیه در صفحه ۳

به دنبال سخنان تحریک آمیز و جنگ طلبانه خامنه ای، رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه ۷ اسفند، در حوالی ظهر روز شنبه ۸ اسفند هواپیماهای عراقی تهران را بمباران کردند. به گزارش صدای جمهوری اسلامی، هدف این بمباران "یک منطقه غیر نظامی در حومه شهر تهران" بوده است. صدای جمهوری، اسلامی، آمار تلفات را یک کشته و چند مجروح اعلام کرده است. هنوز از آمار واقعی قربانیان این جنایت جدید گزارش مستقلی نرسیده است.



دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ برابر ۲۹ فوریه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۷

صهیونیستها از يك جنگ واقعی سخن می گویند

* فلسطینی های مناطق اشغالی با اعتصاب و تظاهرات سر آسری و رودشولتر وزیر امور خارجه آمریکا را به اسرائیل "خوش آمد" گفتند



همه به پا خاسته اند، حتی کودکان خردسال

می دهند دست و پای اسرا را بشکنند و به روی تظاهرات کنندگان آتش بکشند.

در روز شنبه ۲۳ فوریه دو کودک قربانی جنون آدم کشی صهیونیستها شدند. در همین روز روزنامه "یروزالم پست" نوشت که سربازان ۱۰ بقیه در صفحه ۱۰

رهبران اسرائیل دیگر نه از "ناآرامی و اغتشاش" در مناطق اشغال شده، بلکه از یک جنگ واقعی سخن می گویند. در هفته گذشته روزنامه "هاآرتس" نوشت، "آنچه که در مناطق اشغالی می گذرد، یک جنگ است، جنگی که شاید سخت تر از یک جنگ معمولی باشد، شلیک گلوله جریان دارد و دشمن ویرانه ها دارد... ما باید هر طور شده این جنگ را ببریم در غیر این صورت اسرائیل به تحولاتی ضعیف خواهد شد."

این "جنگ واقعی" در هفته گذشته اوج بیشتری یافت. از آغاز هفته، سربازان و فشار فزونی گرفت و واحدهای بیشتری از پلیس و ارتش در اردن، فلسطین و نوار غزه استقرار یافت. اکنون در این مناطق ۲۰۰۰ پلیس و ۱۲۰۰۰ مؤدور ارتشی به سرکوب خشن قیام خستگی ناپذیر خلق فلسطین اشتغال دارند.

یک روایت غریب شاعر در ارتش اسرائیل هفته گذشته قاش ساخت که مؤدوران ارتش و پلیس دچار جنون آدم کشی شده اند. آنها سربازان را به خشن ترین نحو ممکن پیش می برند. افسران به سربازان دستور

در حاشیه درگیری های درون حکومتی:

عقب نشینی منظم "فقه سنتی"

به دنبال صدور حکم خمینی داور بر تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" که در آن جمعی از سرداران حکومت آخوند، برای تعیین تکلیف در موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، تعیین گشتند، درگیری ها در درون حکومت با تعادل قوا و اشکال جدید ادامه یافته است. خمینی در حکم روز ۱۷ بهمن ماه خود ضمن گوشزد کردن خطری که کالیبت نظام ضد مردمی جمهوری اسلامی را تهدید می کند، از طرفداران تقویت نقش دولت در تنظیم امور و انجام اقداماتی ضد انگیزه های در جهت تخفیف خطر طغیان های توده ای، در مقابل طرفداران فقه سختی و تبار بازار حمایت کرد و نقش شورای نگهبان را در قوتی و لایحه مصوب مجلس آخوند، تضعیف نمود.

مادر شماره گذشته نوشتیم خمینی با توسل به "حکم حکومتی" عملاً ورشکستگی تر ولایت فقیه خود را که می گوید قوانین اسلام مقام حقوقی کاملی را تشکیل می دهد که پاسخگو، نیازهای جامعه است، اعلام کرد. هر چند سختگویان رژیم تا آنجا که بتوانند می کوشند این اعتراف را پوشیده نگه دارند، این افغان هر چه بیشتر در موضع گیری ها و اظهارات آنها عیان می شود.

موسوی خویی هم دادستان کل جمهوری اسلامی و عضو مجمع جدید "تشخیص مصلحت"، که از سالها پیش به عنوان مدافع پروپاقرص سیاست افزایش اختیارات دولت و قدرت آن در مقابل بازار شناخته می شود، در صفحه ۲

در این شماره

گسترش اعتصاب غذا در زندانهای سیاسی ترکیه
در صفحه آخر

اجتماع اعتراضی صدها نفر از پناهندگان ایرانی در پاکستان
در صفحه ۷

صهیونیسم، گروه ضربت امپریالیسم
در صفحه آخر

چهل سال از پیروزی سوسیالیسم در چکسلواکی گذشت
در صفحه ۱۱

نقش صندوق های قرض الحسنه در اقتصاد کشور

یادک می کشند، ضمن حفظ و گسترش پایه های قدرت اقتصادی خود، چندان ضربه پذیر بغیر نمی رسند.

کارکرد صندوق های قرض الحسنه

اگر از فعالیت محدود و خرد چندقدر واحد صندوق قرض الحسنه و توان حکومت شاه صرف نظر کنیم، میتوان ابراز داشت که صندوق های قرض الحسنه مولود ساخت اقتصاد جمهوری اسلامی بوده و نه تنها در همین چند سال به لحاظ دامنه فعالیت رشد کرده اند، بلکه به تدریجی سرطانی گسترش یافته اند. تاسیس دم افزون صندوق های قرض الحسنه و همچنین صندوق های ثبت نشده و غیر رسمی باعث آن شده است که هیچ آمار دقیقی از تعداد واحدهای صندوق ها، مزبور درست نباشد، ولی شکای به مطبوعات دولتی حاکی از آن است که شمار صندوق ها و واحدهای متعدد در صندوق به هزاران بالغ می شود. تنها در تهران صدها صندوق بقیه در صفحه ۶

تاسیس و گسترش صندوق های قرض الحسنه، با افشاست های کلان سرمایه و تأثیرات غیر قابل کنترل در کنش و واکنش و تحولات اقتصادی، به یکی از معضلات جدی رژیم خمینی بدل شده است. پیش از آنکه به کارکرد و تأثیر این صندوق های قرض الحسنه در عرصه اقتصاد کشور نظر بیافکنیم، تاکید بر یک نکته حائز اهمیت فراوان است و آن اینکه صندوق های قرض الحسنه خود محصول بهر آن اقتصاد، کشور می باشند و در عین حال برداشته این بحران می افزایند. مواضع مختلف شهادت های قدرت در جمهوری اسلامی نیز بخودی خود باعث آن شده است که اعمال کنترل بر عملکرد صندوق های قرض الحسنه ناممکن و دشوار گردد.

صندوق های قرض الحسنه که در زبان اقتصاد شبه بانک و یا موسسات اعتباری، نامیده می شوند، مخلوقات عجیب المنظر "اقتصاد اسلامی" بوده و چون مشارکت برخی اوسلطان طراز اول حکومتی را نیز

در حاشیه درگیری‌های درون حکومتی:

عقب نشینی منظم و فقه سنتی

بقیه از صفحه اول

شده است ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار وزارت، جمهوری اسلامی، "برای نودودن اتهامات" توضیحاتی درباره وظایف مجمع جدید داده که بار دیگر تاییدی است بر اعلام ورشکستگی فقه و به تبع آن، فقها، خویشی‌ها روند تئیه و تصویب لوایح در دولت و مجلس آخوندی را تشریح کرد و گفت: "روی تئیه لایحه... به اندازه کافی در سطح کشور کار کارشناسی انجام می‌گیرد... وظیفه شورای نگهبان طبق قانون اساسی این نیست که بگوید آیا این قانون به صلاح مملکت هست یا نه. وظایف او فیس و اظهار نظر اوست به عنوان شورای فقهی از این جهت اعتبار و ارزشی ندارد. فقط وظیفه‌ای که شورای نگهبان دارد این است که بگوید این مصوبه مجلس یا این مواد و تبصره‌ها مطابق موازین شرعی و قانون اساسی هست یا نه. فقط این را باید بگوید... بر فرض هم بگویند به صلاح جامعه نیست این گفتنشان اعتباری ندارد."

لحن تند و تحکم آمیز دادستان کل، نمایانگر میزان تضعیف مواضع فقهای شورای "محترم" نگهبان است. خویشی‌ها در ادامه سخنان خود افزودند در مورد برخی لوایح، اعضای شورای نگهبان ایرادهایی می‌گیرند که در صورت برطرف کردن آنها "این لایحه با آن شکل از اصلاحات دیگر تأمین کننده آن مصلحت فیس... اینجاست که بین مجلس و شورای نگهبان این دسته از قوانین حالتی به تکلیف پیدا می‌کند... اگر مقام رهبری جامعه هم برای حل این مشکل اقدامی نکند معنایش این می‌شود که مجموعه نظام حاکم و مجموعه حاکمیت در حل معضلات و مشکلات جامعه بی تفاوت مانده یا ناتوان شده است." عضو مجمع تشخیص مصلحت، در اینجا مهمترین انگیزه خمینی در تصمیمات اخیرش را بیان می‌کند، هراس از بر ملا شدن قانونی مجموعه نظام حاکم، نظامی که نمی‌تواند حتی یک قانون مهم را تصویب و اجرا کند. نود مردم سخنی است که می‌گویند آخوندها اگر بخواهند، برای هر چیز کلاه شرعی‌اش را پیدا می‌کنند. حال خمینی برای خود شرع هم کلاه شرعی پیدا کرده است، "مقام

رهبری برای حل این مشکل در درجه اول نظر می‌دادند به عنوان یک فقیه که اصولاً وقتی در یک قانون تا این حد کار کارشناسی انجام می‌شود بکار این او نظر شرعی اشکالی ندارد." (خویشی‌ها، همان مصاحبه) "مصلحت نظام" خلاف شرع راه می‌کند، "ولی فقیه اگر گفت که این قانون به صلاح جامعه است... این قانون رنگ شرعی به خودش می‌گیرد و وجه شرعی پیدا می‌کند یعنی این قانون مطابق موازین شرع خواهد شد. وقتی که مطابق موازین شرع شد شورای نگهبان در اینجا می‌گوید این قانون مورد قبول است و مخالف موازین شرع نیست. همین قانونی که قبلاً می‌گفت خلاف موازین شرعی است... این قانون شرعی می‌شود."

در اینجا مجمع جدید موضوعیت می‌یابد، "چون ولی فقیه به تنهایی ممکن نیست که بتواند به همه این نیازها و قوایین رسیدگی بکند یک مجمعی را تعیین کرده است... در این افتخار، سنتها هیچ نقشی ندارد چه فقهای شورای نگهبان که نتوانند عضو شورای نگهبان باشند و وزیر مربوط یعنی منظور او آقای خامنه‌ای شخص ایشان نه به عنوان رئیس جمهور و آقای هاشمی نه بعنوان رئیس مجلس. ممکن است روزی یک وقتی کسی دیگر رئیس دیوانعالی کشور باشد او دیگر در مجمع انتخاب نمی‌شود."

این نکته، یعنی عدم وابستگی عضویت در مجمع جدید به سمت‌هایی که اعضای آن دارند، حاکی از این است که خمینی شورای برای تصمیم گیری پیرامون مهمترین مسائل تشکیل داده و برای این‌شورا، وظایف و اختیاراتی را که قاعدتا در انحصار ولایت فقیه است، در نظر گرفته است. اختیارات این‌شورا از "شارع مقدس" (خدا) هم بیشتر است زیرا می‌تواند با اکثریت آرا با یک قانون کاری کند که "اگر غیر شرعی بود حالا می‌شود شرعی". حفظ نظام ولایت فقیه خمینی را مجبور کرده است هیأتی را منصوب سازد که حدود وظایف و اختیارات آن، به نوعی شفی خود ولایت فقیه را نیز بیانگر است.

ولایت فقیه و "فقه سنتی" شکست خورده است. قوانین عصر حجر به درد اداره یک سرمایه داری بیمار و بحران زده نمی‌خورند. این را دیگر

نویسنده "ولایت فقیه"، کسی که می‌گفت هیچ کس به جز "شارع مقدس" حق قانونگذاری ندارد هم فهمیده است.

اما فقه سنتی تنها یک دکم ایدئولوژیک فیس، یک سلاح ایدئولوژیک هم هست. در ایران، مدافعان مشی اقتصادی بورژوازی، "اسفر" (یعنی "به حال خود رهاش کن") سالهاست در سخر فقه سنتی موضع گرفته‌اند که می‌گویند تجارت حلال است و کاسب حبیب خداست، مالکیت او ناموس هم مهمتر است و بندگان خدا حق ندارند در کار او که یکی را فقیر و یکی را ثنی کرده، دخالت کنند. می‌توان برای برآورده کردن مصلحت نظام، برای فقه به مثابه یک دکم، کلاه شرعی یافت، اما "تجار محترم" چیزی دارند که برایشان مقدس تر از هر شرع و شارع است، سود. آنها نشان داده‌اند که در کشمکش بر سر اقدامات و قوانین اقتصادی، ذره به ذره و میلی متر به میلی متر می‌جنگند و حتی بانک "مصلحت فقام" هم قادر نیست مستی سودها، باد آورده را از سرشان بیرون کند. اینان چشم امیدشان به دستگاه سنتی روحانیت است. آخوندهای مدافع این جناح از سرمایه داری ایران، پس از تولات اخیر، به فکر افتاده اند که بایک عقب نشینی منظم، در جایی بایستند که بتوان ایستاد. آذر، قمی، صاحب امتیاز روزنامه رسالت، به فقهای شورای نگهبان پشت گرمی می‌دهد و می‌نویسد، "وجود شما در این مجمع وظیفه شما را در حفظ احکام اولیه و بیان روشن و صریح فقط نظرها، خود سنجیدن می‌کند و واضح است موقعی احتیاط مورد نظر امام مد ظله تدقیق می‌یابد که شما بر مواضع فقهی و فقه نظرها، خود و ابزار و وسائل قانونی که نظام را از

حکم حکومتی مستغنی (یعنی بی‌نیاز) سازد تاکید داشته باشید." و به بقیه آخوندها، عضو مجمع جدید هشدار می‌دهد، "مسئولیت محوله شما آقایان محترم بسیار خدایر و سنگین است. رقه یداز احکام اولیه اسلام... اگر در مورد آنها حتی از یک هزارم دقت کافی و لازم دریغ شود برای شما خطر و ضرر بسیار مهمی در دنیا و آخرت به بار خواهد آورد... اگر با شروط الزامی با اجرای صحیح و برخورد خوب مسئولین اجرایی و قضایی یا سکوت (۱) و یا راههای دیگر مشکل حل شود توسل به حکم حکومتی جایز نیست."

روزنامه رسالت در شماره ۲۸ بهمن خود متن یک سخنرانی از آذر، قمی را به چاپ رسانده است که نشان می‌دهد "فقه سنتی" عقب نشینی را تا کجا می‌تواند تحمل کند، "احکام ثانویه همیشه مقلعی و موضعی است یعنی نمی‌تواند از امروز... تا روز قیامت وجود داشته باشد... همچنین برای احکام ثانویه، تشخیص ضرورت لازم است و اگر ضرورت تشخیص داده نشد باولی فقیه در ضرورت موضوع شک داشت و یقین پیدا نکرد این نمی‌تواند حکم اولی را تغییر دهد."

اما بن بست قانونگذاری رژیم فقها را راه حل‌های "مقلعی و موضعی" نمی‌شکند. از این رو است که هم اکنون بحثهای میان آخوندها بر این تمرکز یافته است که آیا فقط حکومت کردن از احکام اولیه است یا "حکم حکومتی" هم "اولیه" محسوب می‌شود، یعنی فراتر از اقدامی موقتی و موضعی است. موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و عضو مجمع جدید می‌گوید دامنه "حکم حکومتی"، الزاماً نباید "یک یا دو روز باشد، یکماه باشد یا یکسال باشد" (فماز جمعه ۲۲ بهمن تهران).



میر حسین موسوی، اردبیلی، رفسنجانی و خاندانه‌ای، به گفته خویشی‌ها در انتخاب این عده به عنوان اعضا، مجمع جدید، ست آنها نقشی نداشته است.

بمباران هوایی تهران

بار دیگر خطر جنگ شهرها مردم دو کشور را تهدید می کند

بقیه از صفحه اول

پس، مالی برای صلح، خامنه ای، جنایتکار در روز جمعه ۷ اسفند با نعرده کشید که "هدف خود را در جبهه و از طریق جنگ تامین خواهم کرد." آخوندها در نهایت درماتدگی و افشای بین المللی نیوی می کوشند تا آنجا که ممکن است عقربیت جنگ را به جان مردم ایران و عراق افتادند. آنها می خواهند چشم خود را از شکست های بی دربی فقامی و سیاسی، با ریختن خونهای با ورم بیشتر آرام بخشند. بر بستر جنگ غلبی چون آمیز خمینی، رژیم شفاک عراق نیز به حربه معمول خود متوسل شده و باران ویرانی و آتش را بر سر مردم تهران فرو ریخته است. این جنون جنایت تانکی ادامه خواهد داشت؟

در هفته گذشته جمهوری اسلامی خبر از یک درگیری هوایی میان هواپیماهای خود و هواپیماهای عراق بر فراز آبهای خلیج فارس داد و مدعی شد یک هواپیما، عراقی سقوط کرده است. عراق خبر سقوط این هواپیما را تکذیب کرد و اعلام داشت پل استراتژیک قطور در مرز ایران و ترکیه را مورد بمباران هوایی قرار داده است. همچنین جمهوری اسلامی در هفته گذشته خبر از آغاز عملیات جدیدی در کردستان با نام "ظفر ۶" داد.

بمباران شهرهای ایران و عراق، اوج گیری مجدد جنایات خمینی و صدام حسین، باید واکنش جامعه بین المللی را برانگیزد. باید به دستهای این حکام خوفور دستبند و شکست شهرهای دو کشور بیش از این ویران شوند و مردم بیگناه در زیر آوار خانه های خود جان بسپارند. باید

در حالی که رسالتی می کوشند برد تصمیمات مجمع جدید را حتی المقدور کوتاه مدت قلمداد کنند، و در حالی که آذر، قبی می نویسد از تزلزل به "حکم حکومتی" باید تا آنجا که ممکن است احتراز جست، برخی از وابستگان به جنایات مقابل از هم اکنون به فکریورن بعدی، افتاده اند. مثلا یک عضو مجلس آخوندی در جلسه ۲۷ بهمن پیشنهاد کرد: "قانون اساسی به گونه ای اصلاح شود که از یک طرف دست رهبر بیش از پیش در امور نظام باز باشد و از جهتی

ابراز قانونی رژیم در ادامه مانورهای دیپلماتیک

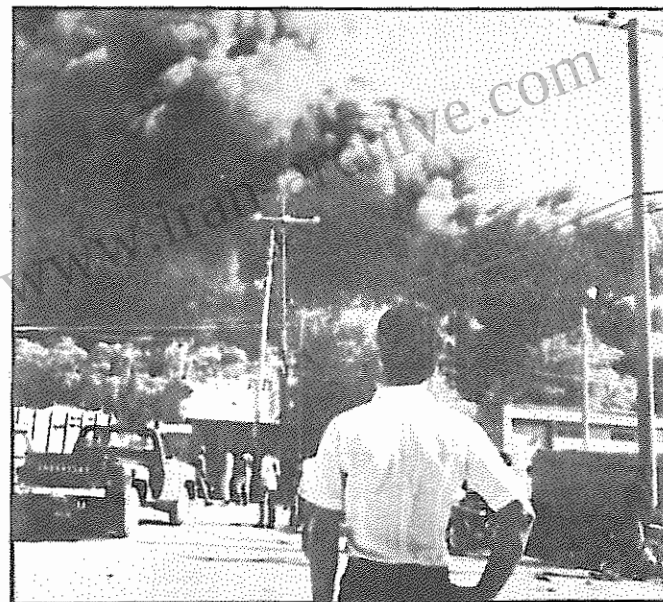
همچنین با غارت عزیز وزیر امور خارجه عراق و طه یاسین رمضان پیرامون جنگ به گفتگو نشست. بریتانیا اخیرا پیش طرح تحریم تسلیحاتی راتهییه کرده و آن را برای مطالعه در اختیار اعضای شورای امنیت قرار داده است. به موجب این طرح فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به مدت دو سال ممنوع خواهد بود. گزارش مقامی فریبی حاکی است که ورفون و التروژ شاییده آمریکا در سازمان ملل فیض مشغول تهیه طرحی دیگر برای ارایه به شورای امنیت است.

یک هفته پیش از دیدار دبیر کل سازمان ملل با نمایندگان ایران و عراق، پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در تهران با مقامات جمهوری اسلامی ملاقات کرد و برای چندمین بار مواضع اتحاد شوروی مبنی بر پایان بلا درنگ جنگ و آغاز مذاکرات بر پایه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را مورد تاکید قرار داد. پتروفسکی در دیدار با ولایتی و سایر رهبران رژیم اسلامی، تلاشهای آمریکا برای ادامه حضور در خلیج فارس و ایجاد پایگاههای نظامی به منظور استقرار دائم در این منطقه را یادآور شد.

طی هفته گذشته اوسوی مقامات رژیم جمهوری اسلامی موضوعه گیری هایی در زمینه تحریم تسلیحاتی و قطعنامه ۵۹۸ اتخاذ شد. معاون سیاسی وزارت امور خارجه طی مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که جمهوری اسلامی خواستار تجدید نظر در قطعنامه ۵۹۸ شده است. وی گفت "به علت نکات غیر معقولی که بر اثر فشار ابرقدرتها در قطعنامه ۵۹۸ وجود دارد خواستار تجدید نظر در آن شده ایم اما در عین حال این قطعنامه بهتر از قطعنامه ۴۷۱ شورای امنیت در زمینه پایان جنگ عراق علیه ایران است." معاون سیاسی وزارت امور خارجه در مورد تحریم تسلیحاتی ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی، صدور قطعنامه تحریم تسلیحاتی را پایان طرح دبیر کل سازمان ملل تلقی می کند.

خامنه ای نیز در خطبه های نماز جمعه با ابراز یاس از تلاشهای دیپلماتیک، فعالیت محافل بین المللی را برای پایان دادن به جنگ بی نتیجه خواند و اعلام نمود که جمهوری اسلامی "نتیجه خود را در جبهه جنگ و از طریق جنگ تامین خواهد کرد."

از هفته گذشته دبیر کل سازمان ملل در تلاش تازه برای پایان دادن به جنگ ۸ ساله ایران و عراق، سله مذاکراتی را در مقر سازمان ملل با نمایندگان ایران و عراق آغاز کرده است. به گزارش مطبوعات روز چهارشنبه گذشته خاویر پرز و کوئیار در محل سازمان ملل با محمد جعفر محلاتی نماینده جمهوری اسلامی در این سازمان ملاقات کرد. دیدار دبیر کل سازمان ملل با عصمت کتناخی نماینده عراق یک روز بعد از ملاقات وی با محلاتی صورت گرفت. به گفته سخنگوی دبیر کل سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مواضع طرفین در قبال آن محور این مذاکرات بود. قرار است پرز و کوئیار نتایج حاصل از مذاکرات خود را در اختیار اعضای شورای امنیت قرار دهد. همچنین دبیر کل سازمان ملل قصد دارد



آیا باز شاهد ایجاد چنین جنایتکاری هایی از رژیم های خمینی و صدام حسین در مناطق مسکونی شهرها خواهیم بود؟

طی روزهای آتی با تمام اعضای غیر دائمی شورای امنیت به منظور آشنایی بانظر آلمان و اتریشی اوضاع کفونی به مشورت پرداخت. مؤزمان با تلاشهای دیپلماتیک دبیر کل سازمان ملل، برخی از اعضای شورای امنیت از طریق فرستادگان خود به بغداد و تهران با مقامات دو کشور به گفتگو پرداختند. دستیار وزیر امور خارجه بریتانیا روز چهارشنبه در بغداد با صدام حسین ملاقات کرد. به گزارش خبرگزاری عراق در این دیدار "دیوید ملر" پیام کتبی تاجر را به صدام حسین تسلیم کرد. "ملر"

اصول و پایه های جمهوری اسلامی به صورتی تنظیم شود که با تغییر شرایط بیش از پیش قابل انعطاف بوده و با بروز مشکل جدیدی نیاز به اصلاح یا فروریزی، پاره ای از مواد آن شباهت تا بدین وسیله امت اسلامی به بهانه اینکه امور باید طبق قانون بهر خد از دستورات و راهنمایی های لازم و به موقع رهبری محروم نماند." شرایب جدید، صحنه آرایبی جدیدی را نیز در جنگ قدرت در رژیم بدنبال آورده است. اما خود جنگ قدرت، ادامه دارد. بحران، گریبان حکومت فقها را رها نمی کند.

انفجار بمب در تهران

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمبی که ساعت ۹/۲۰ صبح روز سه شنبه ۲۷ بهمن در خیابان فیاوران تهران رخ داده تن مجروح شدند و خسارات شدیدی به مغازه‌های اطراف وارد شد.

گزارشهای برخی مطبوعات حاکی است که علاوه بر انفجار فوق، یک انفجار دیگر در تهران در میدان ونک صورت گرفته است. در این گزارشها تعداد کشته و زخمی شدگان هر دو حادثه بیش از ۴ تن ذکر شده‌اند. در اخبار دولتی در این باره گزارشی ارایه نشده است. خبر دیگری حاکی است که در بمب بزرگ‌تر اورمی نیز یک بمب قبل از انفجار خفنی شده است. روز دوشنبه هفته گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از اطلاعات کمیته انقلاب اسلامی اعلام کرد که عوامل بمب‌گذار دستگیر شده‌اند. جمهوری اسلامی این عده را عوامل عراق خواند.

مسئله بمب‌گذاریهای اخیر روز سه شنبه در جلسه هیات دولت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به گزارش رادیو دولتی تهران در این جلسه ضمن نمایش فیلمی از جرم درگیر پاسداران با عناصر بمب‌گذار، محتشمی گزارش مشروحی از دستگیری آنان در تهران و شهرستانها به هیات دولت ارائه کرد. در پی نمایش فیلم، موسوی ملی سخنانی از فعالیت کمیته‌های انقلاب به عنوان اقدامی متبرانه تقدیر کرد. یک روز پیش از طرح این مسئله در هیات دولت، ری شهری در دفتر ریاست جمهوری با خامنه‌ای دیدار کرد.

آغاز نه کار مجدد
سازمان سنجش آموزش کشور

ابوالحسن احمدیانی معاون دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی یک مصاحبه مطبوعاتی از سرگیری مجدد فعالیت "سازمان سنجش آموزش کشور" را اعلام کرد. سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۵۴ به منظور ارزشیابی آموزش کشور، انجام پژوهش علمی در زمینه برنامه‌های، درسی آموزش عالی، همچنین جهت کمک به ارزشیابی نیروی انسانی داوطلب ورود به خدمات کشوری در زمینه علمی و تخصصی تشکیل شد و تا سال ۶۰ با همین عنوان به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۶۰ و در پی جریان انقلاب فرهنگی "رژیم، این سازمان نیز همراه سایر نهادهای آموزشی دستخوش تغییرات در جهت اسلامی‌سازی و افشاد گشت.

هم اینک سازمان سنجش آموزش کشور فعالیت خود را در شرایطی آغاز می‌کند که بنا به اظهار احمدیانی، کمترین امکانات از سوی دولت برای آن اختصاص داده نشده است.

مسئول سازمان سنجش آموزش کشور توضیح داد که در ساختمان این سازمان حتی امکان بایگانی مدارک و پرونده ۷۰۰ هزار داوطلب کفکور سال جاری وجود ندارد و چاپخانه آن که حدود ۴۵ روز برای تکثیر ۲/۵ میلیون دفترچه سئوالات امتحانی باید قرض‌گرفته شود حتی یک نورگیر ندارد. امکانات سازمان صفر است و سازمان سنجش برای اینکه بتواند با سلامت اجرای کتکور را بر عهده بگیرد، دتران و تضمین کافی ندارد.

معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی

گروگانهای فرانسوی در صورت روابط رضایت بخش، آزاد خواهند شد.

را عادی نمایند اما در حال حاضر مادر و سه قطعه روابط بر می‌بریم.

زاد و بندگان سیاسی تهران و پاریس و مسئله گروگانهای فرانسوی که هم اکنون در لبنان در اختیار گروه‌های تروریست طرفدار جمهوری اسلامی هستند، افکار عمومی، بویژه مطبوعات فرانسه را بیش از پیش به روابط دو کشور جذب کرده است.

هفته گذشته روزنامه لوموند به مناقبت عزامین روز امارت "ژان بلی کوئن" روزنامه‌نقار فرانسوی که هم‌اکنون در دیپلمات دیگر فرانسوی همچنان در لبنان در گروگان می‌باشند، مقاله‌ای از رئیس اتحادیه ملی سدیکا، روزنامه‌نگاران فرانسه را که به روابط دولت فرانسه با "دستوردهندگان به ربایندگان" اختصاص داشت، چاپ کرد.

"ایرلوژو" رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران در مقاله خود ضمن اشاره به اعمال تکذبه گروگانها، روش ربایندگان و دستوردهندگان آنان را به رفتار رژیم میترلی تشبیه کرده است. نویسنده با تاکید بر اینکه جیره دستوردهندگان ربایندگان برای دولت فرانسه آشفت، خواستار اقامت آنان شده است.

در بخش دیگر، از مقاله، امارت هزار روزه گروگانها، ناشی از اعمال کار، تردید، اشتباهات تبلیغی، مافورهای مشکوک و دیسه‌چینی دولت فرانسه با طرفداران درگیر در ماجرای گروگانگیر، قلم‌داشته است.

رئیس اتحادیه ملی سدیکا، روزنامه‌نگاران در پایان مطالب خود، روش و سکوت مطبوعات فرانسه را مورد انتقاد قرار داده و نوشته است که روزنامه‌نگاران هم چون ماچرای "ایران گیت" به وتلیقه‌شان عمل نکرده و دروغ‌گویی‌ها و تهمینه‌پازییهای سیاسی دولت را در زمینه مسئله گروگانها افشا نکرده‌اند.

علیرضا معیری، معاون سیاسی نخست‌وزیر هفته گذشته طی مصاحبه مطبوعاتی با شبکه دوم تلویزیون فرانسه، مواضع موجود بر سر راه عادی‌سازی روابط میان تهران و پاریس را تشریح کرد. وی در این گفتگو در زمینه تلاش جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای فرانسوی گفت: "در قیاب روابط دیپلماتیک میان پاریس و تهران هیچ اقدامی از سوی ایران برای آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان صورت نخواهد گرفت."

معیری در اظهارات خود صریحا اعلام داشت که جمهوری اسلامی به گروگانها به صورت وجه‌المعامله می‌نگرد و برای آزادی آنها تنها در شرایطی اقدام می‌کند که پاریس با خواسته‌های تهران موافق باشد. در این مورد معاون نخست‌وزیر به موقعیت جمهوری اسلامی در میان گروه‌های افراطی لبنان اشاره کرد و گفت: "ایران از نفوذ بسیار مهمی در لبنان برخوردار است و این نفوذ می‌تواند برای آزادی گروگانهای غربی از جمله فرانسوی‌ها مورد استفاده قرار گیرد اما این امر فقط در زمانی صورت می‌گیرد که ما از ارتباط رضایت‌بخش با فرانسه برخوردار باشیم."

معاون نخست‌وزیر در مورد مسئله جنگ ایران و عراق و موضعه فرانسه درقبال آن که یکی از موارد اختلاف طرفین می‌باشد، اعلام داشت که "وی هیچ تحول مثبتی را در ارتباط با بیطرفی احتمالی فرانسه در این مناقشه مشاهده نکرده است."

مذاکرات مقامات تهران و پاریس بر سر اختلافات مالی و بدهی ۱/۵ میلیارد دلار، فرانسه به ایران، یکی دیگر از مایلی بود که در گفتگو معیری با تلویزیون فرانسه مطرح گردید که توضیح داد: "این مذاکرات فعلا متوقف است."

در پایان مصاحبه معیری اظهار داشت: "ما احساس می‌کنیم که مقامات فرانسه می‌خواهند روابط



ژاک شیراک، وزیر امور خارجه فرانسه و معاون نخست‌وزیر رژیم خمینی

در دانشگاه تبریز

- در دانشگاه تبریز مرتباً شعاری می شود. بهش تراکت واعلامیه نیز اوجمله تیپه هایی است که در مبارزه علیه رژیم بکار گرفته می شود. رنگ پائیدن به تصاویر خمینی نیز شکل دیگری از اعتراضات دانشجویان مرفی را نشان می دهد. در آغاز ترم تحصیلی گذشته، دانشجویان رشته داروسازی دانشگاه تبریز به یک لایحه ای که در مورد داروسازان در مجلس طرح شده بود اعتراض کردند. ۲۰۰ دانشجوی ۲۷ استاد تهدید به انصراف از تحصیل واستعفا کردند. این حرکت اعتراضی باعث عدم سازماندهی در اوضاع کار متوقف شد.

- همچنین باعث اعتراض شدید دانشجویان به توطئه فداي فاسد در سلف سرویس دانشگاه در ترم گذشته که بصورت پرتاب ظروف غذا به طرف شیشه های سلف سرویس نمود یافت و خبر آن همان زمان در نشریه درج شد، مقامات دانشگاهی تعداد واحدهای درسی آنها را به ۱۴ واحد درسی (حدافل واحد) کاهش دادند و بدین ترتیب از دانشجویان انتقام گرفتند.

- قریب دو ماه پیش حوالی نیمه شب به بهانه وجود مواد مخدر عده ای از افراد مسلح نقابدار با همدستی دانشجویان عضو انجمن اسلامی به خوابگاه دختران دانشگاه حمله کرده پیچیداتاق را مورد باوژی قرار دادند. آنها سه نفر از دانشجویان را دستگیر کرده و به همراه خود بردند. فردای آتشب دستگیر تدکان آزاد شدند و معلوم شد ادعای وجود مواد مخدر در خوابگاه بهانه ای برای ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان بود.

باز خرید اجباری، کارگران

اصفهان به علت توقف کار، موقتاً به فولاد مبارکه منتقل شده اند. این دسته از کارگران هم پس از پایان کار در فولاد مبارکه دچار بلاتکلیفی خواهند شد.

مدتی پیش کارگران کارخانه فخر سازی شیر صنعتی کاوه در ساره در اعتراض به اجحافات که از سوی دولت و مسئولین علیه آنها اعمال می شد، دست اوتار کشیدند. مسئولین کارخانه با تکیه بر نیروی و ماهی سرکوبگر رژیم بلافاصله ده نفر از کارگران را به اتهام مخالفت با جمهوری اسلامی تعلیق و سپس اخراج کردند. این اعتصاب در عمل سرکوب شد.

"کارخانه های تولید پروفیل، کارگران را به جبهه اعزام کنند"

کارگران را به جبهه اعزام کنند و یا اخراج نمایند.

در شهر صنعتی کاوه

در شهر صنعتی کاوه در شهرستان ساره که در آن بیش از ۲۰۰ کارخانه و کارگاه وجود دارد باعث کمبود مواد اولیه تولیدات اکثر واحدها به ۲۰ درصد کاهش یافته و بعضی از آنها رسماً و با عملاً تعلیق شده اند. شرکت ملی صنایع، شرکت فخر سازی، شرکت پروفیل ساره از آن جمله اند.

یک کارگر صنایع فولاد اموای می گفت بعد از ۹ سال کار باز خرید شده و دوباره بصورت قرارداد استخدام شده ام. او که عده ای از مسکارانش نیز به همین وضع دچار شده اند اظهار می داشت فردا تهر کار می رویم اگر مدیریت عوض شود نمی دانیم چه خواهد شد. ممکن است شکل قراردادی هم لغو و اخراج شویم.

چنین وضعی در ذوب آهن اصفهان نیز وجود دارد. به نیمی از کارگران پیشنهاد باز خرید کرده اند. تعدادی بنابر پذیرفته و تعداد دیگری بلاتکلیف هستند. بخشی از کارگران ذوب آهن

شرکت پروفیل نیمه ستنین تهران، پروفیل سپاهان اصفهان بر اثر کمبود مواد اولیه از تولید باز مانده اند. کاهش عرضه پروفیل در بازار باعث افزایش قیمت آن از ۸۰ ریال به ۷۰۰ ریال در تهران و در بعضی شهرها نیز بیشتر شده است. پروفیل در ساختمان سازی استفاده زیادی دارد. کمبود کنونی مردم را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. اخیراً از طرف وزارت کار بخشنامه ای به کلیه کارخانجاتی که با کمبود مواد اولیه روبرو هستند فرستاده شده و در آن آمده است کارخانجات تولید پروفیل در صورت نداشتن مواد اولیه برای کار می توانند

هستی های سوخته

بخشی از یک نامه

"... زاهدان تابانویی است از جنایات خمینی و رهبران جمهوری اسلامی. در نژاد یکی محل زندگی ما عا داری است. دختر ۱۹ ساله آنها مرده است. چه ؟ پدر وی به قاچاقچی ها مقروض بوده است. وی قبلاً کشاورزی می کرد اما دیگر اکنون رونقی در کشاورزی نیست. وی نتوانست قرض خود را به قاچاقچیان بپردازد. او از طرف قاچاقچی ها تهدید می شود که یا باید مقداری هروئین به تهران ببرد و یا وی را خواهند کشت. به پیشنهاد آنها وی هروئین را توسط

دخترش که آنها در بدن خود جاسازی کرده بود حمل میکند. دختر در ماشین بیهوش می شود و در بیمارستان می میرد. دکترها می گویند که مواد مخدر جذب خونس شده است. مدتی پیش در اتوبوسی در خارج از شهر بودم. عده ای را از اتوبوس بیرون آوردند. آنها جوان بودند و چند نفرشان بومی. ماموران آنها را اواردار کردند تا بر مقتضات بغورند. چون به کمیته چپ ها اطلاع داده شده بود که آنها در شک خود مواد مخدر به تهران و جامای دیگر حمل می کنند. همه از این سخن می گفتند که خود مامورین و مقامات رژیم با ماشین و کامیون مواد مخدر حمل می کنند."



* در اثر سیاست های ارتجاعی رژیم و بیکاری گسترده، آمار و اعتیاد، فساد، فحشا، دزدی، چفایت و خودکشی افزایش بی سابقه ای یافته است. بطور مثال در شیراز در محل ترمینال اتوبوس های مسافری شخصی از چند جوان که کنار خیابان نشسته بودند آدرس یکی از تعاونی های مسافری را پرسید. جوانان حین پاسخ به او تعارف کردند که در جمعشان شرکت کند. وی متوجه شد که آنها به استعمال هروئین مشغولند و به همین سبب آنها را از اینکار منع کرد. یکی از جوانان پاسخ داد اگر هروئین نکشیم چه کنیم. دیپلم گرفتیم. بی کار هستیم. نه آینده ای داریم. نه امیدی به زنده ماندن چون بالاخره چنگ یقه ما را هم می گیرد. خدا پدر این ها را بیاورد که هروئین را اگران نکرده اند، یک پاکت سیگار ۸۰ تومان ولی یک بسته هروئین ۴۰ تومان است. پس معلوم می شود که حکومت بفکر ماست!



نقش صندوق‌های قرض الحسنه در اقتصاد کشور

بقیه از صفحه اول

قرض الحسنه به شعب مختلف فعالیت دارند که میزان انباشت سرمایه‌های آنان به صد میلیون ریال می‌رسد. میزان تأسیس صندوقهای قرض الحسنه از سال ۵۷ تاکنون با شتابی فوق‌العاده در افزایش بوده و گرچه بدینال تصویب بانک اسلامی در سال ۶۲ از شتاب تأسیس صندوقها کاسته شد، ولی صندوقها حتی در همان سال نیز قارچ‌وار در گوشه و کنار مملکت آغاز بکار کردند و شتاب تأسیس صندوقهای جدید از سال ۶۴ به این‌سو، فوق‌العاده افزایش یافت.

صندوقهای قرض الحسنه انواع و اقسام مختلفی دارند اما فصل مشترک همه آنها، اسلامی و شرعی بودن آنهاست. تمام این صندوقها عناوین اسلامی و موازین شرعی فعالیت می‌کنند. صندوقهای قرض الحسنه دو کارکرد جداگانه داشته‌اند، اول کارکرد رسی و علنی و دوم کارکرد پنهان. بدین معنا که صندوقهای قرض الحسنه تحت پوشش کمک به "مستضعفین" و "نیازمندان" به ثروت اخلاقی و انباشت سود مشغول هستند. صندوقهای قرض الحسنه در ظاهر امر و مطابق کارکرد رسی و علنی خود، نهادهای اعتباری بوده و با دریافت پولی از مردم، مبادرت به پرداخت وام به "نیازمندان" می‌کنند. شکل اصلی کارکرد صندوقهای قرض الحسنه پرداخت وام به صورت جدولی است. و این بدین معناست که مردم با سپردن پولی در نزد صندوقهای قرض الحسنه، پس از مدت معلومی، چند برابر پول خود مستغایب با سپرده وام دریافت می‌کنند. اما کارکرد اصلی صندوقهای قرض الحسنه، نه کارکرد رسی و علنی آن، بلکه همانگونه که اشاره شد، ثروت اخلاقی و کسب سودهای کلان است. صندوقهای قرض الحسنه در واقعیت امر با دریافت سپرده از سوی مردم، و با تجمع این سپرده‌ها بصورت سرمایه‌های کلان انباشت شده، اقدام به سرمایه‌گذاری در عرصه‌های سودا می‌کنند. طبق ضوابط صندوقهای قرض الحسنه معمولاً پس از دریافت سپرده، بعد از گذشت ۶ ماه تا یکسال اقدام به پرداخت وام کرده و در این مدت زمان، سپرده‌ها را بدون پرداخت بهره، در اختیار خود می‌گیرند.

صندوقهای قرض الحسنه



"یکسال است که با هزار حمت بیست هزار تومان جور کرده‌ام و گذاشته‌ام توایس صندوق. اولش قرار بود شش ماهه به برابر پولم را وام بدهند. سرش ماه که آمدم گفتند مقررات ما عوض شده، شش ماهه وام می‌دهیم. خلاصه تا الان هروقت مراجعه می‌کنم می‌گویند برو بعداً. حالا آمده‌ام پولم را بگیرم و خودم را خلاص کنم."

بدین ترتیب متقاضیان دریافت وام، در صورتی که بخت یارشان باشد، پس از یکسال می‌توانند وام بگیرند. این وام حداکثر ۲ یا ۳ برابر میزان جرده آنها خواهد بود. شرایط بازپرداخت وام نیز فوق‌العاده دشوار است. بدین معنا که دریافت کننده وام همه ماهه باید مبلغ کلافی را بعنوان قسط وام خود بپردازد. میزان بازپرداخت وام دریافتی بهمه، است که گاه تا نیمه او درآمد ماهیانه دریافت کننده وام را بخود اختصاص می‌دهد.

میزان انباشت سرمایه برخی از صندوقهای قرض الحسنه بزرگ و انباشت سرمایه کلیه صندوقهای قرض الحسنه، عددی است که می‌تواند در اقتصاد کشور و در سیاستهای پولی و مالی دولت تأثیرات جدی برجای نهد. شکل عملکرد سرمایه صندوقها و عرصه عملکرد آن در اقتصاد کشور که عمدتاً بخش خدمات است، در فیروزی پول در جامعه، در تورم، در فیروزی گریز سرمایه از عرصه‌های تولیدی تأثیر نهاده و این تأثیرات بر اقتصاد بحران زده کشور، تأثیراتی سو به حساب می‌آیند. چنانکه گفته شد صندوقهای قرض الحسنه، محصول بحران و محصول ساخت و بافت کشی اقتصاد اسلامی بوده و همزمان در دامنه بحران اقتصادی کشور تأثیر نهاده و به عاملی بحران و تبدیل می‌شود.

تجمع و انباشت هدفمند سرمایه در صندوقهای قرض الحسنه که از طریق

جذب بخشی از نقدینگی بخش خصوصی صورت می‌گیرد، از آنجا که از سوی نهادهای دولتی کنترل نمی‌شوند، بعنوان عاملی قوی در اقتصاد تأثیر می‌نهند. این انباشت بعدی است که می‌تواند سیاستهای اقتصادی حکومت را فلج کرده و یا در برابر قوه اراده سیاست اقتصادی رژیم، قوه متقابلی بحساب آید.

شرکت برخی از مسئولین دولتی در صندوقهای قرض الحسنه، از سوی دیگر باعث تخلف عملکردی دولت در برابر آن می‌گردد. وابستگی صندوقهای قرض الحسنه مختلف به جناح‌های حکومتی و رابطه این صندوقها با شبکه‌های پرنفوذ دولتی نیز از جمله موارد رودررویی قدرت‌ها در عرصه صندوقهای قرض الحسنه است. اخیراً محتمل‌ترین وزیر کشور دستور تعطیل کردن برخی از صندوقهای قرض الحسنه را اعلام کرد. این صندوقها بدون مجوز به فعالیتها، "خیرخواهانه" مشغول بودند، تعطیلی این صندوقها باعث اقدام آنها در صندوقهای قرض الحسنه دیگر گردید.

پیچیدگی ناشی از بستگی مقامات حکومتی با صندوقها و سطح و کیفیت عملکرد صندوقها، باعث موضوعی متناقض مسئولین را از اول مملکتی شده است. از آن جمله است سخنان موسوی هجست وزیر و خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم در کنفرانس اهداف برنامه ریوی ۵ ساله بانک ملی ایران، که در روزنامه رسالت ۲۵ و ۲۷ بهمن ماه با و تاتاب یافته است. میرحسین موسوی درباره گسترش بی‌رویه صندوقهای قرض الحسنه اظهار کرد: "در بعضی مواقع تشکیل این صندوقها مغایر با اصل ۴۴ قانون اساسی است و مغایر با اندیشه کمک به مستضعفین. باید باین گرایش شاسلم و حتی خطرناک در چهارچوب قوه قضائیه برخورد کرد." در روز بعد، خامنه‌ای در همان کفره ضمن اشاره به نقش و اهمیت صندوقهای قرض الحسنه در اقتصاد کشور عنوان کرد: "هم اکنون صندوقهای قرض الحسنه خدماتی به مردم می‌کنند که بانکها شاید از عهده آن برقیابند."

این چنین است که صندوقهای قرض الحسنه در حکومت سرمایه سالاران، تحت عناوین معمول "دفاع از مستضعفین" و "رقه نیاز و نیازمندان" به رقه نیاز سرمایه داران مبادرت می‌ورزند.

اجتماع اعتراضی صدها نفر از پناهندگان ایرانی در پاکستان



برای ایرانیانی که از جهنم خمینی می‌گریزند، کشورهای گریزگاه و بویژه پاکستان، ترکیه و... نیز جهنم‌های دیگری هستند و دولت‌های پاکستان و ترکیه آشکار و نهان از هیچ‌گونه اعمال فشار علیه آوارگان ایرانی و سایر ستم‌دیدگان رژیم‌های ارتجاعی منطقه دریغ نمی‌کنند. اگر فشار افکار عمومی این کشورها و محافل بین‌المللی نبود تاکنون شیخ‌البحر و اوزال تعداد بیشتری از فرزندان ایران را به تیغ خمینی جلاد می‌سپردند. جمهوری اسلامی با موافقت پاکستان و ترکیه، از طریق اوباشان خود تهدید و تعقیب پناهندگان ایرانی را در همین کشورها قیود دنبال می‌کند.

گزارش‌های مستقل حاکی است که اخیراً جمهوری اسلامی بر تعداد پاداران خود در پاکستان بویژه شهر کراچی افزوده است. حضور آنان که با گروه‌هایی از حزب‌اللهی‌ها، پاکستانی در ارتش هستند در کراچی کاملاً چشم‌گیر است. هدف مأموران رژیم تهران، تعقیب پناهندگان ایرانی و در شرایط مناسب سازماندهی یورش به مراکز مسکونی پناهندگان است، نمونه‌اشچه که سال گذشته در محله کلیفتن کراچی رخ داد و نتایج چند از پناهندگان کشته شدند. در اعتراض

فداشته‌اند.

روز ۲۲ بهمن یک پناهفده کرد عراقی که تشییقات غیر انسانی دولت پاکستان و نمایندگان دفتر پناهندگان سازمان ملل در کراچی به خشم آمده بود، با زدن رک گردن خود، خودکشی کرد. در همین روز در کراچی چند صد نفر از پناهندگان با اجتماع در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان وابسته به سازمان ملل خواستار پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی رژیم ضیاء الحق علیه پناهندگان و لغو تمامی

به این اعمال و سیاست غیرانسانی دولت پاکستان و بی‌تفاوتی و عدم تقبل مسئولیت دفتر کمیساریای پناهندگی سازمان ملل، پناهندگان به اشکال مختلف مقاومت نشان می‌دهند که اعتصاب غذا، ۱۲ نفر از پناهندگان در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل آخرین نمونه آن است تا روز ۱۴ فوریه که اعتصاب غذاکنندگان بیستین روز اعتصاب غذای خود را می‌توانند دریافت هیچ‌گونه پاسخ مثبتی دریافت

مقررات محدود کننده حقوق پناهندگی از سوی نمایندگی سازمان ملل در کراچی شدند. شرکت کنندگان در اجتماع مقابل دفتر پناهندگی کراچی بر تأمین و به رسمیت شناختن حقوق پناهندگی خود از سوی دولت پاکستان مصر هستند. خبر این اقدام متشکل و اعتراضی در مطبوعات و درمیان شخصیت‌های ترقیخواه پاکستان به‌طور گسترده بازتاب یافت که با حمایت و پشتیبانی آنان همراه بود.

تصاویری از زندگی در رژیم ملایان

... بعد از مدت‌های دراز برای

رفتن به شهر خود به ترمینال تهران رفتم تمام اتوبوس‌ها را برای انتقال سربازان و بسیجی‌ها به جیبه اختصاص داده بودند. ناچار با ماشین‌های شخصی و با پرداخت مبلغی کلان راهی سفر شدم. تمام دوستان من با اینکه از من کوچکتر یا حتی بزرگتر بودند اکثراً با موهایی سفید شده و چهره‌ای نه شاداب یکی یکی در مقابل من ظاهر شدند. آن شادی چندسال پیش از بین‌شان رخت بر بسته بود. از صبح زود از خواب بیدار می‌شدند به سرکار می‌رفتند و شب با کار کردن در دیوایه جای دیگر خسته و کوفته به خانه برمی‌گشتند. بامس می‌گفتند و می‌خندیدند اما حواسشان جای دیگری بود. اینکه کوپن فلان شماره گوشت، برنج، نمودار، پنیر و غیره اعلام شده است یا نه آنها آن را دارند یا نه اگر

آن پول را می‌داشتند، فلان مشکل برطرف می‌شد و... یکی معلم است. زن و دو بچه دارد صبح ساعت ۵ از خواب بیدار می‌شود برود یک ده فزیدیک برای تدریس. ساعت ۲ بعد از ظهر برمی‌گردد نهار می‌خورد و کمی بعد می‌رود دنبال کوپن‌ها و بن‌ها، مختلف، دنبال شیر برای بچه‌ها، هوا که تاریک شد خسته برمی‌گردد شام می‌خورد. فکاهی به درسی که فردا باید به دانش‌آموزان بدهد می‌کند. بعد یاد بچه‌های خودش و بازی با آنها می‌افتد اما مرد و خوابیده‌اند. روزهای جمعه روز فامه می‌خواهد پسر کوچکش که چهار سال دارد وقتی به رادیو گوش می‌دهد و یا تلویزیون نگاه می‌کند شماره کوپن‌هایی را که اعلام می‌شود به خاطر سپرده به پدر و مادرش می‌گوید بچه دیگر که تقریباً یک سال دارد اگر غروب پدرش را بدون

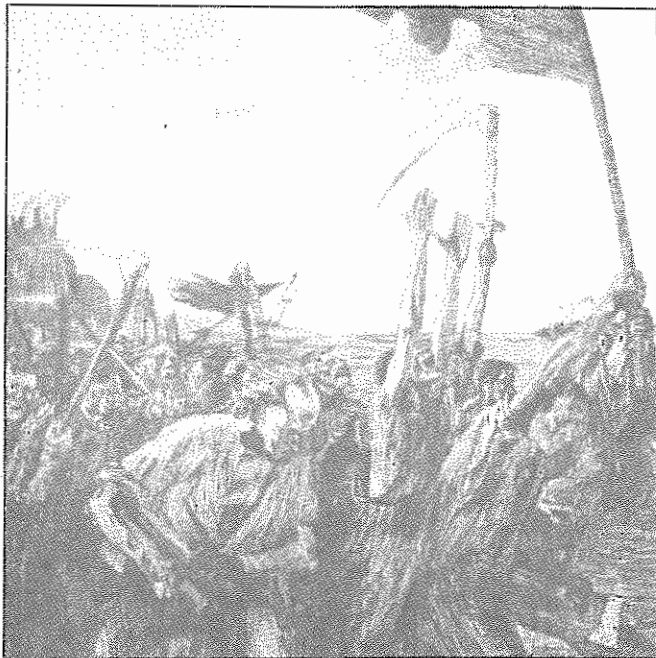
دبه شیر ببیند داد می‌زند "شی، شی" او هم یاد گرفته که باید برای سیر کردن شکمش دنبالش بدود و فعلاً کاری که از دستش برمی‌آید این است که داد بریزد و گریه کند مادرشان نیز معلم است و وضعیتی مافقد شوهرش دارد.

مادرم و پدر پیر خودم هم کوپن می‌فروختند، سیکار می‌فروختند. کوپن‌هایی که چندان احتیاج نداشتند و یا سیکار رابه نسبت قیمت آزاد به سیکار فروش می‌فروختند و چیزهایی دیگر رابه نرخ آزاد می‌خریدند... باید گوش به زنگ باشی که برای چه کالایی اسم نویسی می‌کنند. اگر پولی داشته باشی می‌روی، برای قیچی، مداد، پاک‌کن، ماشین لباسشویی،... اسم می‌نویسی. قرعه‌تجربه که شد اگر به اسم تو افتاد آفرابه قیمت خیلی گرانتر می‌فروشی و چیزهایی دیگر را بهمان

نسبت گران می‌خری. خمیر دندان را که در قرعه‌کشی بردی ۱۵ تومان می‌خری و در بازاری آواد ۵۰ تا ۶۰ تومان می‌فروشی. قیچی را ۱۵ تا ۲۰ تومان می‌خری و ۲۰۰ تومان تا ۲۵۰ تومان می‌فروشی... و هیچکدام از این خرید و فروش‌ها تکافوی مخارج را نمی‌دهد. پس دنبال کار دیگری باشی، اگر ماشین‌داری مسافرکشی کنی، اگر... و برای هر کاری باید قرع دلار و پاوند وین و غیره را بدانی.

.....

مادری را دیدم که پول قابل توجهی را برای دختر بچه‌اش کنار گذاشته بود و او وی پرسیدم مادر این پول برای خرید چه چیزهایی برای دخترت هست؟ او هر چند به زحمت گفت برای این است که اگر روزی مریض شد بتوانم معالجه‌اش کنم."



از مصیبت‌های کشاورزان آمریکا

خانواده‌ها در گریز از الکل، اعتیاد، دعوای، توام با ضرب و جرح خانوادگی و یا خودکشی، به این مراکز رو می‌آورند.

گاه افراد به مردم دیگر حمله‌ور می‌شوند. در دسامبر ۱۹۸۵ در شهر لون‌تری یک دهقان که به پول نیاز داشت به بانک آنجا رفت تا چکی را وصول کند. مأمور بانک، او را می‌شناخت. تاچندی پیش از آن، همین شناخت کافی بود. اما بانکهای شهرهای کوچک هم مشکلات دارند، و خطری که موجودیت آنها را تهدید می‌کند، محتاطان کرده است. چک را قبول نکردند. ظرف یک ساعت، آن دهقان که زمانی از افراد مرفه جامعه بود، همسرش، رئیس بانک، یکی از همسایگانش و بالاخره خود را کشت. پیتر ژورن، رئیس درمانگاه اعصاب لون‌تری می‌گوید: "از فرط زیادی بیماران فرصت

مطلب‌زیرا از روزنامه نیویورک تایمز برگرفته‌ام؛

"اکنون پنج سال است که سخت‌ترین بحران از پنجاه سال پیش تاکنون، گریبان کشاورزی آمریکا را گرفته است. این بحران، بطوریکسان هم کشاورزان و هم شهرشینان را از پیوندها و ارزش‌هایی محروم می‌کند که از مدت‌ها پیش تکیه‌گاه آنها بوده است. از هنگام جنگ داخلی، منطقه غرب میانه آمریکا منبع مواد غذایی، نیروی کار، اختراعات، صادرات و نیمی اُروسای جمهوری بوده است.

خانواده، هنوز بخیر کشاورزی آمریکاست. اما در فاصله ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵، شمار واحدهای دهقانی ۹ درصد و شمار واحدهای بافروش کمتر از ۲۰ هزار دلار در سال بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته است. ۲۰ درصد واحدها به افراد بالاتر از ۶۰ سال و تنها ۶ درصد به افراد کمتر از ۳۵ سال تعلق

سخن‌روز

"تنها کشوری که در جهان حقوق بشر را رعایت می‌کند جمهوری اسلامی ایران است."
شیخ سعید زیشام حیدرچوادی، یکی از مفتخوریانی که از کیسه مردم ایران در "کنفرانس اندیشه اسلامی" شرکت کرده است.

"تنبیه بدیع"

یک نوجوان را به زنجیر کشیده‌اند و بر روی پایش یک کنده‌سنگین نهاده‌اند، شکنجه‌ای قرون وسطایی در یک مدرسه علوم دینی در پاکستان.
"داون" چاپ اسلام آباد انتشار یافته است. در ژوئیه عکس، این شکنجه "قور بدیعی از تنبیه" توصیف شده است. روزنامه "داون" نوشته است که این نوجوان، به مدت ۲۴ ساعت در این وضعیت نگه داشته شده است.



"مزرعه به فروش می‌رسد" - مغلظه‌ای عادی در غرب میانه آمریکا.



رخساراندن نداریم. "پوشکان متخصص، دیگر کار خود را بر روی آموزش افرادی که تنها نقش "شغول‌کنان خوب" برای درددل مردم را خواهند داشت، متمرکز کرده‌اند. این افراد، مردان و زنان داوطلبی هستند که با گوش کردن به درددل همسایگان خود، می‌کوشند با تفریبات و فامیدی آنها مبارزه کنند. خاتم چون بلندل، مشاور اجتماعی در شمال غربی آیوا، داستانهای زیادی در باره فشارهای اجتماعی و مالی دارد که تعریف کنند، از خانواده جوانی که درآمدش ۹ هزار دلار در سال است، روزافه ۱۶ ساعت کاری کند و تمام هم و غش این است که لااقل این زندگی را حفظ کند، و یا جوانی که به تلغرها جواب نمی‌دهد زیرا می‌ترسد طلبکاران سراغ پدرش را بگیرند و پدرش خود را در اخبار حلق آویز کند.

دارد، که این حاکی از مهاجرت فرزندانش دهقانان به شهرهاست. علیرغم یک رشته برنامه‌های، برعکس دولت، مزارع واقع در مناطق دورافتاده غرب میانه، متروکه شده‌اند. در شهرهای کوچک برادر مغازه‌های زیادی تخته کوبیده‌اند. این مغازه‌ها، شادان ساکت مهاجرت اجباری خانواده‌ها به شهرهای بزرگترند. این خانواده‌ها اغلب مزارع خود را در اختیار باندهایی می‌گذارند که به آنها مقروضند.

مصیبت‌های انسانی پدید آمده از تغییر ساختار اقتصادی، بی‌شمارند. مراکز مشاوره تلفنی، توان پاسخ دادن به همه مردم نگرانی را که سئوال حقوقی دارند و می‌خواهند بدانند چگونه می‌توانند مزارع خود را که از نسلی پیش داشته‌اند، حفظ کنند، ندارند. همچنین بسیاری از

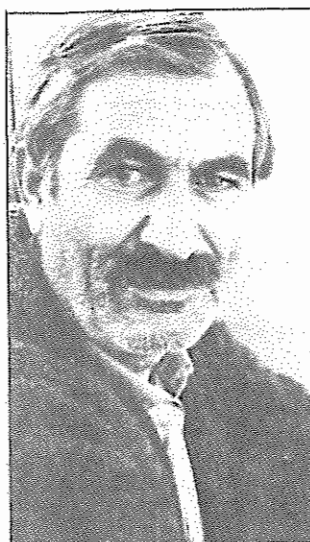
طرحی مختصر از زندگی یک بنیت فروش
شرکت واحد - حاصل یک گفتگو

صاحب خانه ای یا

اجاره نشین ؟

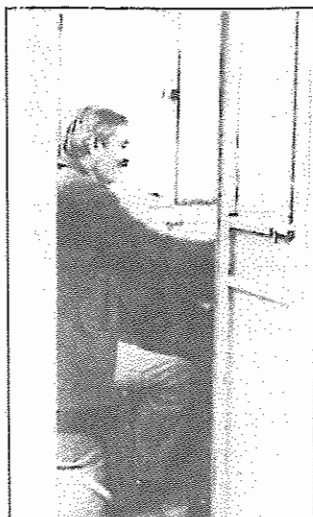
هیچکدام،

آلونک نشینم



می‌دهند، اگر شکم نمی‌دهند. حقوق اصلی
من روزی ۱۲۴ تومان و ۴ ریال است.
در روز چند ساعت کار می‌کنی؟
۷ ساعت و ۳۰ دقیقه. یک ماه صبح کار هستم
از ساعت ۶ تا ۱/۲۵ بعد از ظهر و یک ماه عصر
کارم از ساعت ۱/۲۵ تا ۸/۲۵ عصر در این دهه
کجاست که می‌سینی می‌شستم.
چند ماه بعد داری؟
۲ تا ۳ و ۲ دختر.
چقدر جد می‌کنی؟
یکی برادر است یک دخترم ۱۹ است و ۲
با هم برگ حاصل کرده‌اند.
آن دنیا چرا درس را ادامه ندادی؟
سوالیست درس خواند، من می‌توانستم خرمی
و تجربه خانواده را برسانم با این حقوقی که من
دارم نمی‌شود که یک نفر کار کند ۷ نفر بخورند.
کدام می‌دهد وضع ما نظری است که همه باید
بروند سر کار با کمک خرج خانواده باشد. از
دو فرزندم که برگ حاصل کرده‌اند یکی سنگار
است و یکی کار می‌کند.
محافظت از کثرت را می‌خواستند؟
نه راسی هستند. در محله‌های غنی مثل "در
مدرسه آنها را سرزنش می‌کنید وقتی در جایی
می‌گفتند که پدرمان بیست و هشتاد است، مردم
نظری رباب می‌کنند که بچه‌های ما محالست
می‌کنند.
اگر کار پیدا شود دوست داری محافظت سفلی
تو را داشته باشی؟
اگر انطور که هست باشد! سنگار مانند سیر
است. با از روی ناچاری مجبورم آن کار را

شکم ۲۳ سال رندگی من در آن دهه که می‌سینی
گفته است حالا نه آینده‌ای دارم و نه سیدی.
در سال چند روز مرخصی داری؟
یک ماه.
در ساعتی که در باجه بلیت فروشی می‌گذرانی
چگونه خودت را سرگرم می‌کنی؟
با همین بلیت‌ها. وسیله دیگری ندارم. اگر رادیو
داشتم گوشت می‌کردم. اما بول خرید رادیو را
ندارم.
در خانه و در ساعت‌های بیکاری حتماً تلویزیون
نمانا می‌کنی و با خردابو گوشت می‌دهی. کدام
برنامه تلویزیون را بیشتر می‌بینی؟
کار ما از پسندیدن و پسندیدن گذشته است. این
کارها هم وقت می‌خواهد و هم حوصله. ما دنبال
بان روزانه خودمان هستیم.
سینما چطور؟ به فیلم‌های سیاسی تا چه حد
علاقه داری؟
بند عا است که سبنا برنماد.
آخرین باری که سینما رفتی کی بود و چه فیلمی
را دیدی؟
آخرین بار اگر درست بادم باشد ۳۸ سال پیش
بود که سبنا رفتم فیلمی درباره اسرار لاس
بامدار بود. خیلی حوشم آمد. جوان خودم و
لذت بردم.
چند کلاس درس خوانده‌ای؟
سواد من در حد خواندن و نوشتن است.
در اوقات بنگاری کتاب یا روزنامه می‌خوانی؟
کتاب که نه! سوادم در آن حد نیست. روزنامه
گاهی می‌خوانم.
آخرین باری که روزنامه خواندی کی بود؟
بادم نیست.
خواندن و نوشتن را چگونه یاد گرفتی و چرا ادامه
ندادی؟
خواندن و نوشتن را در دهه که بودم یاد گرفتم.
بدرم که فوب کرد ما مغیر شدم مجبور شدیم کار
کیم و آن‌ها آور باشند. این بود که درس را دنبال
کردم.
دلت می‌خواهد درس خواندن را ادامه دهی؟
بسیار درس و حسابی نمی‌بیند. البته حال
و حوصله هم ندارم. درس خواندن ناشی در
وضع ما ندارد.
برای مطالعه چه فعالیت‌ها را به‌دکتر نمی‌روی؟
ما دیگر فرار است یک روز مرخصی بگیرم بروم
دکتر.
صاحب‌خانه هستی یا اجاره‌نشین؟
عجبکدام. آلونک نشینم. در زمینی که نمی‌دانم
مال کسب یک آلونک ساختم که سند ندارد.
سال ۱۳۳۱ آن را ساختم سرپرستی برتیب تهید
می‌کنند که آلونک ما را خراب خواهد کرد. بارها
به‌ما نوب داده‌اند که به‌ما خانه خواهند داد.
اما از همان سال که گفتم تا حالا مالونک‌نشین
هستم.
با درآمدی که داری برنامه‌های خارج خانواده را
چگونه تنظیم می‌کنی؟
ما از اول به‌این وضع عادت کرده‌ایم. با وضع
نه سارن کرده‌ایم. البته سخت سارن کرده‌ایم.



تا حالا که ساخته‌ایم.
در اوقات بیکاری چه تفریحاتی داری و چه
سرگرمی‌هایی بیشتر تو را به‌خود جذب می‌کند؟
برادر مثل اسکات درست متوجه نشدی! تفریحات
بول می‌خواهد. هر کاری که خواهی بکنی باید
بول داشته باشی. اگر خواهی دست زن و به
ما را بگیری و حتی به یک بزرگ بروی خرج دارد.
من تفریحی ندارم می‌روم خانه پیش بچه‌ها.
تفریح ما در خانه ماندن است.
تا حالا مسافرت رفته‌ای. منظرم مسافرت به
شهرهای مختلف برای تفریح و گشت و گذار است؟
خیلی قدیم دوبار رفتم مشهد برای زیارت. غیر
از آن مسافرت نرفتم.
اگر مسافرت تفریحی پیش بیاورد دلت می‌خواهد
به‌کدام یک از شهرهای ایران سفر کنی؟
ای بابا تو هم که به‌تور ما خوردی انگار با از فرنگ
آمده‌ای. با خبری از دخل و خرج و زندگی نداری.
من می‌گویم دخل و خرج ما جور نیست توان
مسافرت و تفریح و اینطور بچه‌ها سر می‌زنن...
برای دوران بازنشستگی چه برنامه‌ای داری؟
می‌خواهی چه بکنی؟
هیچ برنامه‌ای ندارم. چه برنامه‌ای می‌توانم
داشته باشم. به‌سرایه‌ای دارم و نه کاری بلدم.
اگر مدیریت شرکت واحد بودی برای بهبود
حال کارکنان و به‌ویژه بلیت‌فروشان چه می‌کردی؟
در مرحله اول همه کارکنان را جمع می‌کردم. با
آنها حرف می‌زدم. زندگی آنها را تأمین
می‌کردم. به‌آنها مسکن می‌دادم. موضوع بچه‌های
آنها می‌رسیدم. حالا که من و تو مدیریت
نمی‌شویم پس این حرف‌ها چه فایده‌ای دارد؟
بر گرفته از نشریه

"صفت حمل و نقل" شماره ۵۲

کمک‌های مالی رسیده

۲۰ مارک	"معلم میثم"	۱۰۰ مارک	Wulfram
۵۲ مارک	از لندزهوت	۵۰ مارک	elheiden
۴۰ مارک	K: Ful: از لندزهوت		با یاد "صد" از دورتموند - آلمان
۵۰۰ مارک	"۸۱" از به‌خوم - آلمان فدرال	۴۰ مارک	فدرال
۵۲/۵ مارک	به‌یاد رفیق بیدختی از دورتموند - آلمان فدرال	۴۰۰ مارک	با کد "رفیق سعید اشرف" از بیگلند - آلمان فدرال
	"به‌یاد رفیق شهید محمد امین شیرخانی (کاک مینه)"	۳۵ مارک تمهر	با کد "رفیق صفایی فر اهانی از بیگلند - آلمان فدرال
	از اوهره وروسوئد	۲۹۶۰ مارک	درآمدهای حاصل از همکاری از شهر
۱۰۰ کرون	از دانشگاه کمک به زندانیان سیاسی		دارمشتات - آلمان فدرال
۲۴۶ کرون	از دانشگاه کمک به زندانیان سیاسی	۱۰۰ مارک	جعفر از مورس
۵۰ کرون	دماوند از آلمان فدرال	۵۰۰ مارک	"م" از فلبرت
۱۰۰ مارک	کمک به واحدهای فدایی در داخل کشور	۵ مارک	"ش" از فلبرت
۲۳۸ مارک	از شورشرک - آلمان فدرال	۱۰ مارک	"ع" از ایتال
۵۰ مارک	کمک به واحدهای فدایی در داخل کشور	۱۲۰ تومان	یک مسافر به رفیق "س"
	از مؤنویخ - آلمان فدرال	۱۰۰ مارک	م - ب از آلندهورک - آلمان فدرال
		۱۵۰ مارک	یک رفیق هوادر

ویژه "متحدین استراتژیک" خود را هماهنگ می‌سازد. عمل سری اسرائیل در چند کشور آفریقائی و بویژه در ژنیر با "سیا" همکاری می‌شایند.

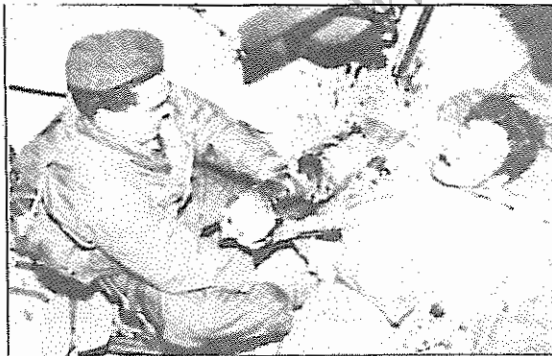
همکاری نظامی و سیاسی اسرائیل با رژیم آفریقای جنوبی خطر بزرگی برای آزادی و استقلال کشورهای آفریقا در بردارد. اسرائیل براساس تقسیم وظایف با آمریکا به دیکتاتوری‌های شیلی، پاراگوئه، السالوادور، هندوراس سلاح تحویل می‌دهد یعنی واشنگتن به رژیم‌های جوتریو و ام‌های هفکفت می‌پردازد، و تل‌آویو در برابر این وام‌ها به آنان سلاح می‌فروشد و بدین‌سان مانند دستیار خامشی "نواستعاری" ایالات متحده در آمریکای مرکزی عمل می‌کند.

حقایق به کوفه تکذیب ناپذیر گواه ایست که صهیونیسم قش گروه ضربت امپریالیسم را ایفا می‌شاید. بنابراین مبارزه با امپریالیسم باید همزمان با مبارزه علیه سازمان‌های صهیونیستی که عملیات خرابکارانه آنها امنیت دولت‌ها، صلح و دوستی میان خلق‌ها را تهدید می‌کند پیشبرده شود.

مجله نظامی شوروی،

شماره ۱۱ شواهر ۱۹۸۶

صهیونیست‌ها از يك جنگ واقعی سخن می‌گویند



یک مزدور صهیونیست در حال دیدن شکم یک فلسطینی مریض و بی‌هوش با کارد سر بازی است

بقیه از صفحه اول

عنوان حامی اصلی رژیم صهیونیست، ابراز می‌داشتند. در روز چهارشنبه رونالد ریگان قیام خلق فلسطین را "اقتشاشی که به توسط تروریست‌ها رهبر، می‌شود" توصیف کرد. آمریکا و اسرائیل، پاسخ دشمنان شگنی از خلق فلسطین گرفتند، در روز جمعه ۲۶ فوریه به دعوت سازمان آزادی‌بخش فلسطین در سرتاسر مناطق اشغال شده تقاضا را و اعتصاب برگزار شد و این مناطق راه یک مشت ستر بر افرشته بدل کرد.

صهیونیسم، گروه ضربت امپریالیسم

به مردم بومی آن دیار بود به چنگ آورد. در سال ۱۹۸۰ پارلمان اسرائیل شهر بیت المقدس را پایتخت "جاوید و جدائی‌ناپذیر اسرائیل" اعلام نمود و از سال ۱۹۸۱ قوانین اسرائیل را بر بلندی‌های جولان که بخشی از خاک سوریه است جاری ساخت.

اسرائیل "سرزمینهای اشغالی اعراب ده‌ها شهرک یهودی ساخته و رژیم ترور و آدم‌کشی در آنها حکمفرما ساخته است و حتی بچه‌های فلسطینی را همواره ترور و تهدید می‌کند و برای آنان "مرکز باژبروری" ساخته است که در آنجا فرزندان و کودکان فلسطین مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌گیرند در این مرکز کارها را بچان بچه‌ها می‌افزاند. تصادفی نیست که سازمان مال در قطعنامه شماره ۲۴۷۹ خود صهیونیسم را سیاست فزادپرستی نامیده است.

در سازمان "سیا" قسنت خاصی وجود دارد که عملیات مخفی خدمات

اسرائیلی "مای" (عمل) که عضو افتراضیونال سوسیالیستی است مشغول پیشبرد سیاست ضدشوروی است. صهیونیسم جهانی به کمک امپریالیزم آمریکا برای انجام "رسالت تاریخی" اسرائیل یعنی ایجاد دولت یهود "از فیل تا فرات" دستگاه بر قدرت نظامی در اسرائیل بوجود آورده است. اسرائیل برای آمریکا نقش "زاندان منطقه" در خاور میانه دارد و در عین حال ابزار عمده پیشبرد سیاست استعماری صهیونیست‌هاست.

ایالات متحده آمریکا، اسرائیل را در پیشبرد جنگ‌های تجاوزکارانه و راه‌انداختن عملیات راهزنانه و تروریستی علیه کشورهای عربی یاری می‌کند. آمریکا به کمک متحدان خود در "پیمان ناتو" از عملیات بمباران تاسیسات علمی و تحقیقی متدای عراق، مقر سازمان آزادیبخش فلسطین در تونس توسط اسرائیل حمایت بعمل آورده و در جنگ کثیف لبنان در سال‌های ۸۲ - ۱۹۸۲ مستقیماً شرکت نموده و در سال ۱۹۸۲ کشور لیبی را بمباران کرد.

در شواهر سال ۱۹۸۲ موافقت‌نامه "همکاری استراتژیک" میان واشنگتن و تل‌آویو به امضا رسید که بدنبال آن مهم‌ترین عملیات امپریالیسم آمریکا با صهیونیست‌های اسرائیل بویژه شدت یافت. اسرائیل پس از انگلستان و جمهوری فدرال آلمان متحدسوم ایالات متحده در زمینه اجرای ابتکار استراتژیک دفاعی است. طبق گزارش خبرگزاری‌های غربی تل‌آویو یک‌سلسله طرح‌های فنی در اختیار واشنگتن گذاشته و بعضی از شرکت‌های اسرائیلی در اجرای دستورات آمریکا هیچگونه درشکی از خود نشان نمی‌دهند.

استعمار سرزمین‌های عربی یکی از اهداف عمده صهیونیسم است. اسرائیل در نتیجه عملیات جنگی، شانتاژ، تهدید، تضيیقات توده‌ای و استفاده ماهرانه از مکاشیسم بوروکراسی، خلق عرب فلسطین را از وطن خود بیرون رانده و بر سرزمین مادری آن دست انداخت. اسرائیل بیش از نیمی از سرزمین زرخیز ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را که متعلق

بقیه از صفحه آخر

و دیپلوماتیک است که با بخش‌های مشابه در ایالات متحده، انگلستان، آلمان فدرال و دیگر کشورهای سرمایه‌دار، همکاری می‌کنند.

"یهودیان ایالات متحده آمریکا کانون فعالیت تمام سازمان‌های صهیونیستی است. جامعه یهود آمریکا بیش از ۶ میلیون نفر را در بر می‌گیرد و دارای بیش از ۲۰۰ سازمان مرکزی، با هزاران شعبه، ۴۵۰۰ کنسنت، قریب ۲ هزار مدرسه، ده‌ها موسسه آموزش عالی است. ۷۰ درصد تشریاتی که مختصاً اقتصادی می‌باشد و ۸۰ درصد برنامه‌های تلویزیونی در آمریکا تحت کنترل صهیونیست‌هاست.

بروزوازی بزرگ یهود در بخش‌های مالیات، اقتصاد و سیاست ایالات متحده دارای مواضع کلیدی است. صهیونیست‌ها از این طریق بر رهبران ایالات متحده و دیگر کشورهای سرمایه‌داری نفوذ دارند. مثلاً در ایالات متحده ده‌ها هزار به اصطلاح "مشاور" سرگرم مشاوره با مقامات بلندپایه هستند. از آنجمله اعضای "کمیته مقاسبات اجتماعی آمریکا و اسرائیل" و "کنفرانس روسای سازمان‌های بزرگ یهودی" عده‌دار چنین نقشی هستند. یکی از معاونین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نقش رابط میان هیئت‌های اداری و محافل صهیونیستی را ایفا می‌کند.

امپریالیسم که در پی تسلط بر تمام جهان است، از صهیونیزم بین‌المللی بعنوان گروه ضربت علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش کمونیستی و جنبش‌های آزادیبخش ملی بهره می‌گیرد.

صهیونیست‌ها از اولین روز موجودیت کشورشوراها مبارزه با آن برخاستند. از ایترو فعالیت سازمانهای صهیونیستی اتحادشوروی از سال ۱۹۲۷ مشغول گردید. صهیونیزم بین‌المللی از خرابکاری بر ضد اتحادشوروی و سوسیالیسم جهانی دست نکشیده است. صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶ از نیروهای ضد انقلابی در مجارستان و سال ۱۹۶۸ در چکسلواکی و همچنین لهستان و سایر کشورها پشتیبانی می‌کردند.

هم اکنون سازمان‌های صهیونیستی چون "نهای بریت" که سال ۱۸۴۲ در آمریکا تاسیس گردیده و در کشورهای سرمایه‌داری شعبه دارد، "گروه بین‌المجالس در مورد حقوق بشر در اتحاد جماهیر شوروی" اروپا، "جامعه دفاع از یهودیان" و مانند آن سرسختانه اتحادشوروی را مورد حمله قرار می‌دهند. حزب

چهل سال از پیروزی سوسیالیسم در چکسلواکی گذشت

دینا کتسک انقلا ب

نوشته آلویس ایندرا، عضو هیات رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی

کمونیستها نفوذ نیرومندی داشتند، ایقاي نقش مهمی را آغاز کردند.

در مناسبات میان خلق چک و اسلواک نیز تغییرات مهمی روی داد. از آن پس این مناسبات بر اصل حقوق برابر استوار شد. این امر به معنای چشمپوشی از اندیشه بورژوازی "چکسلواکیسم" بود که استقلال اسلواک ها را نقض می کرد.

با اینکه بخشی از بورژوازی هنوز در اداره امور دولتی شرکت داشت (و مثلاً در نهادهای قضایی نقش بسیار محسوسی ایفا می کرد) و مواضع معینی در زندگی سیاسی را حفظ کرده بود، حرف آخر را در شهر و روستا زحمتکشان می زدند.

قدرت بورژوازی بزرگ با مصادره اموال اشرافان و خائنین، تجدید نظر در اصلاحات ارضی سال ۱۹۱۹، ملی کردن معادن، کارخانه های بزرگ، بانکها و شرکت های بیمه از میان رفته بود. در اقتصاد به بخش شکل گرفتند، بخش دولتی (و بطور بالقوه سوسیالیستی)، بخش سرمایه داری و بخش تولید خر دکالایی. با این حال بورژوازی در اقتصاد هنوز تاجدی قدرت داشت.

پس از آنکه با پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک، تضاد عمده یعنی تضاد میان فاشیسم و دمکراسی حل شد، تضاد آشتی ناپذیر میان کار و سرمایه، میان طبقه کارگر و بورژوازی، بیش از پیش روبه ظهور به مثابه تضاد عمده نهاد.

نمایندگان ارتجاع، در برابر تحقق پیگیر برنامه های حکومت که خود به آن رای داده و آن را تصویب کرده بودند، مقاومت می کردند و می کوشیدند انقلاب ملی - دمکراتیک را از محتوا خالی و سرمایه داری را بازسازی کنند.

در مقابل، حزب کمونیست که هرگز پنهان نداشته بود که هدف استراتژیکش پیروزی سوسیالیسم است، تلاش های خود را بر تکامل انقلاب ملی - دمکراتیک متمرکز کرد. ح. ک. چ، میان جنبش انقلابی - دمکراتیک و مبارزه برای سوسیالیسم پیوند برقرار کرد و می کوشید به گونه ای عمل کند که انقلاب ملی - دمکراتیک به آستانه انقلاب سوسیالیستی تبدیل شود. در جریان مبارزات طبقاتی بسیاری با بورژوازی، در میان اشراف زحمتکشان آگاهی انقلابی رشد کرد و آنها به این شناخت رسیدند که تنها نظمی جدید می تواند انتظاراتشان را بطور کامل برآورده کند. این امر به ما امکان داد به تدریج خواستهایی با محتوای هر چه روشن تر سوسیالیستی مطرح کنیم.

حزب کمونیست، تلاش های خود را معطوف به گذار مسالمت آمیز انقلاب ملی - دمکراتیک به سوسیالیستی نمود. امکان این امر را هم مؤمنی طبقه کارگر در انقلاب ملی - دمکراتیک و هم شرایط خارجی، به ویژه موجودیت اتحاد شوروی با قدرت اقتصاد و دفاعی اش که اجازه به عقب برگرداندن روند انقلابی را به نیروهای امپریالیستی نمی داد،

در برگیرنده طبقه کارگر، دهقانان، اشراف میانی و بورژوازی ضد فاشیست و دمکرات بود. این انقلاب و بلوک، تبلور سیاسی خود را در شکل جبهه ملی چک ها و اسلواک ها یافت. حزب کمونیست و احزاب غیر کمونیست در این جبهه حول برنامه مشترکی برای، نوسازی، جمهوری، رهایی یافته و ادامه ساختمان آن متحد شدند (مقتور، برنامه آوریل ۱۹۴۵ حکومت و برنامه بازسازی، مصوب ژوئیه ۱۹۴۶ است). جبهه ملی در این مرحله، وحدت گسترده ای را تبلور می بخشید. در عین حال، شرایط آن فرام می آمد که این جبهه به "تخته پیرش"ی برای، مبارزه در راه سوسیالیسم تبدیل شود.

در پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک، که در مرحله نخست خود شکل مبارزه مسلحانه را به خود گرفت (قیام ملی اسلواکی در اوت ۱۹۴۴ و قیام خلق چک در مه ۱۹۴۵)، مؤمنی طبقه کارگر نقش تعیین کننده ای ایفا کرد. طبقه کارگر عمیقاً در تحقق پیگیر اهداف انقلابی ذینفوذ بود. ح. ک. چ، نفوذ خود را به میزان عمده، گسترش داد. در این رابطه، سم جهانی - تاریخی اتحاد شوروی در تاسیسم فاشیسم هیتلری و رسالت رهایی بخش ارتش سرخ در چکسلواکی، اهمیت خارق العاده ای داشت. پایداری و شجاعت کمونیست ها در مبارزه با فاشیسم هیتلری و نقش آنان در جنبش مقاومت داخل و خارج از کشور به روشنی نشان داد. ح. ک. چ، پیگیر ترین مدافع منافع ملی است و جمهوری دوباره بخواسته بدون حزب کمونیست اداره کردنی نیست. در مقابل، احزاب سیاسی راستگرا که بیانشگر اراده بورژوازی، بزرگ بودند، در برابر فاشیسم هیتلری بوج بودند "میهن پرستی" چنگالی خود را نشان دادند و به کلی بی حیثیت شدند. مهمترین نتیجه انقلاب ملی - دمکراتیک این بود که خلق ها، چک و اسلواک استقلال دولتی خود را باز یافتند.

دمکراسی توده ای، ایجاد شده، به دلیل تولات عمیق سیاسی و اقتصادی، با جمهوری بورژوازی دوره پیش از مونیش (کنفرانس ۱۹۲۸ مونیش که در آن رهبران انگلیس و فرانسه، چکسلواکی را به هیتلر "بخشیدند" - "اکثریت") تفاوت ماهوی داشت. با اینکه مکانیزم دمکراسی پارلمانی حفظ شده، اما دستگاه دولتی دمکراتیک توده ای، دگرگونی عمده ای را از سر گذرانده بود. در این دمکراسی، پایگاه قدرت را کمیته های محلی ایجاد شده در جریان پیکار رهایی بخش ملی تشکیل می دادند. زحمتکشان از طریق این ارگانها درباره امور دولتی در سطح محلی تصمیم می گرفتند. حزب کمونیست برای نخستین بار به حزبی حاکم تبدیل شد و در همه نهادهای دستگاه دولتی حضور داشت. تنها احزابی به موجودیت خود ادامه دادند که حول برنامه جبهه ملی متحد شده بودند. در زندگی سیاسی، چند سازمان اجتماعی واحد (سندیکاها و سازمان های جوانان) که در آنها

۲۵ فوریه اسال، چهل سال از پیروزی سوسیالیسم در چکسلواکی به دنبال سه سال مبارزه برای فراوانی انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، گذشت. "اکثریت" در شماره های گذشته خود با جابجای جفدمقاله به معرفی انقلاب های خلقی دهه ۱۹۴۰ در اروپا پرداخته است. در این شماره، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی، فوریه، به بررسی مسائل فراوانی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی در چکسلواکی می پردازیم. و بدین منظور، ترجمه مقاله آلویس ایندرا عضو رهبری حزب کمونیست چکسلواکی و صدراعظم این کشور را که در شماره ۲ سال ۱۹۸۸ نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" به چاپ رسیده است، درج می کنیم. این مقاله، علاوه بر تشریح رویدادهای پیش و پس از فوریه ۱۹۴۸ چکسلواکی، حاوی الماعانی درباره اهداف روند نوسازی کنونی در این کشور نیز هست.

در فوریه ۱۹۴۸، خلق ما بطور نهایی راه سوسیالیسم را در پیش گرفت. چهلمین سالگرد این رویداد مهم مناسبتی است تا بار دیگر به تئور، لنینی انقلاب سوسیالیستی، اندیشه فراوانی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی و کاربست خلق آن در چکسلواکی بپردازیم.

ثابته است شرایط تاریخی، را به یادآوریم که حزب کمونیست چکسلواکی (ح. ک. چ) تحت آن، استراتژی و تاکتیک را هکتهای پیروزی، تهم جدید را تدوین کرد. می دانیم که در سال ۱۹۲۹ موجودیت چکسلواکی به مثابه دولتی مستقل، پایان یافت زیرا بورژوازی، بزرگ دمکب خیانت شده و قدرتها، غربی به فاشیسم متجاوز مینال، امتیاز داده بودند.

در موقعیتی که اشغال فاشیستی موجودیت ملت چک و اسلواک را تهدید می کرد، تضاد عمده، تضاد میان فاشیسم و ملت های ما بود که در راه احیای استقلال دولتی و رهایی ملی مبارزه می کردند. از این رو در آن زمان، به هیچ وجه نه انقلاب سوسیالیستی، بلکه انقلابی ملی - دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر در دستور کار قرار داشت. این انقلاب، ملی بود زیرا هدف آن را سلب کامل قدرت سیاسی و اقتصادی از اشرافان فاشیست تشکیل می داد، و دمکراتیک بود زیرا می بایست قدرت را به زحمتکشان منتقل می کرد و سمت آن علیه بورژوازی، بزرگ ارتجاعی بود که با همکاری با اشرافان، به منافع ملی خیانت ورزیده بود.

رهبری حزب به این نتیجه گیر، درست رسید که در آن زمان هنوز فراوانی قرار دادن انقلاب "بلاواست" سوسیالیستی کار، پیش رس، و به معنای، افراد طبقه کارگر از طبقات و اشراف غیر پرولتری و کسب طبقه کارگر می بود. کار واقع بینانه، فراوان قرار دادن گذار تدریجی از انقلاب ملی - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی بود. ح. ک. چ در تدوین استراتژی و تاکتیک، بر تئور لنین و نیز در سدهای مبارزه پرولتاریا، چکسلواکی در سالها، ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ اتکا داشت (در آن زمان، کارگران بطور خودبخود، در راه پیروزی، دست به مبارزه زدند اما رهبری انقلاب ملی - دمکراتیک در دست بورژوازی، مانند واین امر توسط سرمایه برای تحکیم سلطه طبقاتی اش مورد استفاده قرار گرفت).

ارزیابی درست از خصلت انقلاب آتی به حزب امکان داد جبهه ملی گسترده مقاومت در برابر اشرافان را ایجاد کند. این جبهه،

دیالکتیک انقلاب

نشریه الفویس و اله و نشریه‌های وابسته که در مرکز حزب کمونیست چکواستی

فراموش می‌کرد. برای تبدیل این امکان تاریخی به واقعیت، می‌بایست با توجه به شرایط داخلی حمایت اکثریت مردم از خواستهای سوسیالیستی جلب می‌شد. چند عامل در تحقق این مشی تأثیر مثبت گذاشتند. ح.ک.چ در تحقق اهداف استراتژیک و تاکتیکی خود قبل از هم چیز از امکان پیشبرد انقلاب هم "ازبالا" و هم از "پایین" بهره گرفت. در این میان، مبنا را کار سیاسی فدائیکارانه و بسیار متنوع کمونیستها در میان توده‌ها برای جلب حمایت آنان از مشی حزب تشکیل می‌داد. اعضای ح.ک.چ از طریق سازمانهای اجتماعی واحد و نهادهای مانند شوراهای کارخانه‌ها و کمیته‌های دمقانی بر اکامی زحمتکشان تأثیر می‌گذاشتند. صحت این مشی کمونیستها و نیروی جاذبه‌ای که بر توده‌ها اعمال می‌کرد در این امر بازتاب می‌یافت که شمار اعضای ح.ک.چ روبه افزایش بود. حزب دارای پایگاهی واقع‌شده بود.

در جلب حمایت اکثریت زحمتکشان از ما، افشای خیانت رهبران احزاب غیر کمونیستی که تعهدات خود را که بر اساس برنامه‌های حکومتی مصوب خود، داوطلبانه پذیرفته بودند - انجام نمی‌دادند، نقش بزرگی ایفا کرد. از این طریق این رهبران در برابر اکثریت اعضای ساده این احزاب که با استواری از جبهه ملی جانبداری می‌کردند، منزوی شدند.

همچنین از مواضع کمونیستها در پارلمان، در حکومت، در وزارتخانه‌ها و در کمیته‌های محلی استفاده موفقی به عمل آمد. این امر به ح.ک.چ به مقابله حزب حاکم امکان داد خواستهایی را که موقتاً آن‌ها می‌رسید، مطرح کند و با کمک شور انقلابی خلق، "ازبالا"، با استفاده از قدرت دولتی، برای تحقق آن بپردازد.

کمونیستها نیز برای مهم در استرس نفوذ خود در میان زحمتکشان را انتخابات نهادها، نمایندگی مردم می‌دانستند. در نتیجه انتخابات مجلس ملی موسسان در سال ۱۹۴۶، ح.ک.چ به نیرومندترین حزب سیاسی کشور تبدیل شد. حزب، ۲۸ درصد آرا را کسب کرد. بعداً زمانی که ارتجاع در جبهه ملی، پارلمان و حکومت دشواریهای هر چه بیشتری را حسب شد، کمیته مرکزی حزب ما این هدف را فراروی خود قرار داد که در انتخابات که در سال ۱۹۴۸ پیش‌بینی شده بود، به اکثریت مطلق آرا دست یابد تا کمونیستها در جبهه ملی نفوذ تعیین‌کننده‌ای را کسب کنند، بدون آنکه سایر احزاب از شرکت در اعمال قدرت به کنار گذاشته شوند.

وزراء، عضو حزب سوسیالیستهای ملی، حزب مردم و حزب دمکراتیک اسلوواکی بدون آنکه منتظر انتخابات که قرار بود خلق در آن اراده خود را اعلام کند، بمانند، در ۲۰ فوریه ۱۹۴۸ استعفا کردند تا دولت کلمنت گتوالد را ساقط سازند.

زحمتکشان به هدف این مانور پی بردند. ارتجاع، هدفی فراتر را دنبال می‌کرد که عبارت بود از تشکیل دولتی جدید برای به عقب برگرداندن تحول اجتماعی به سمت سرمایه‌داری. خلق، مصممانه از موضع حزب کمونیست که خواهان پذیرش

کناره‌گیری و زورابود، حمایت کرد. اقدامات مستقیم زحمتکشان نیز به این امر یاری رساند، میتینگ‌ها، تظاهرات، اعتصابات عمومی یکساعته، تشکیل کمیته‌ها، اقدام جبهه ملی که وظیفه تصفیه نهادهای سازمانها از مرتجعین را برعهده داشتند و ایجاد میله‌های مردمی که نیروهای مسلح طبقه کارگر را تشکیل می‌داد. ادوارد دیش، سیاستمدار برجسته بورژوازی و رئیس جمهوری، نتوانست این نمایش اراده واحد مردم را نادیده بگیرد. وی در ۲۵ فوریه ۱۹۴۸، کناره‌گیری وزرا را پذیرفت و به پیشنهاد کلمنت گتوالد، اعضای جدید حکومت جبهه ملی احیا شده، شامل جنبش انقلابی سدی‌کایی را منصوب کرد. باید از یک نکته دیگر نیز شام برد. راه‌حل بحرانی، بر طبق پیش‌بینی‌ها، فاشون اساسی بورژوازی ۱۹۲۰ که هنوز اعتبار داشت، یافته شد. گتوالد در برابر پارلمان به تشریح برنامه دولت پرداخت. ۲۲ نماینده - ۱۰۶ کمونیست و ۱۲۴ نماینده از احزاب دیگر - برنامه را تصویب کرده و به دولت رای اعتماد دادند. (در مجموع، پارلمان ۴۰۰ نماینده داشت. در رای‌گیری، ۲۲۰ نماینده حضور داشتند - "مسائل صلح و سوسیالیسم").

پیروزی، فوریه، روند فرارویی مسالمت‌آمیز انقلاب ملی - دمکراتیک در چکسلواکی به انقلاب سوسیالیستی را تکمیل کرد، بطور نهایی، مسئله کسب قدرت توسط طبقه کارگر را حل کرد و امکان داد کار شوازی، در کشور با تمام قوا، گسترش یابد. تاکتیک هوشیارانه حزب باعث شد که اکثریت مطلق مردم بر مبنای جبهه ملی، موضعه دفاع از سوسیالیسم را اتخاذ کردند. فوریه ۱۹۴۸ بدین نیز انجامید که چکسلواکی بخشی از اردوگاه دو حل شکل‌گیری، سوسیالیستی در جهان شد. این امر در دوره‌ای که امپریالیسم به جنگ سرد دامن می‌زد، اهمیت فراوانی داشت.

روند انقلابی در چکسلواکی و فوریه ۱۹۴۸، اعتبار تئوری، لنینی فرارویی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی را، آنهم در کشور، به لحاظ صغتی پیشرفته با سرن‌نسبتاً نیرومند بورژوا - دمکراتیک، نشان داد. شرایط پیروزی را سیاست منسجم و خلق حزب که بر دیالکتیک عام و خاص تحت شرایط چکسلواکی مسلط بود، فراهم کرد.

روند تحول اجتماعی در دوره پیش از فوریه و رویدادهای فوریه، نمایانگر تنوع اشکال و شیوه‌ها، فرارویی انقلاب دمکراتیک به سوسیالیستی بود. ثابت شد که پارلمان می‌تواند به ابزار، - اگر چه نه ابزار منحصربه‌فرد - در گذار مسالمت‌آمیز تبدیل شود. البته از نقطه نظر تجارب چکسلواکی مفهوم "گذار مسالمت‌آمیز به سوسیالیسم" فراتر از مفهوم "راه پارلمانی به سوسیالیسم" است.

ما مکرراً به فوریه ۱۹۴۸ نظر می‌افکنیم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد، زیرا فوریه ۱۹۴۸ برای مانه تنها رویدادی تاریخی که بطور نهایی راه را برای ساختمان سوسیالیسم در چکسلواکی گشود، بلکه در عین حال گنجینه‌ای از تجارب است که امروز نیز به کار ما می‌آید. این رویداد حاوی درسهای است که امروز نیز راهنمای عملند، زیرا حاوی تلیقه‌ای واقعا تاریخی را در در پیش‌رو داریم، دستیابی به موقعیت کیفیتا ثوبی از سوسیالیسم و اقبات برتری ما در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فکری، در رشد حقوق و آزادیهای شهروندان، در مسابقه صلح‌آمیز با سرمایه‌داری.

مانگونه که ذکر کردم، سیاست ح.ک.چ برای فرارویی انقلاب ملی - دمکراتیک به سوسیالیستی بر کاربست خلق و تحقق تئوری انقلابی با در نظر گرفتن دیالکتیک عام و خاص استوار بود. اکنون، در مرحله تحقق مشی استراتژیک هفدهمین ح.ک.چ که شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه را پیش‌بینی می‌کند، تئوری برای عمل سیاسی حاضر اهمیت فوق‌العاده‌ای است. در برابر ما وظایفی انقلابی قرار دارند. حل آنها باید بر مبنای طرح تئوریک هدفمندی برای شوازی استوار باشد، طریقی که از اندیشه‌های نوین الهام بگیرد. این اندیشه‌های نوین باید با وظایف امروز و آینده انطباق داشته باشند و جای تزاها و اشکال مالوف اما کهنه شده را بگیرند.

ما در تدوین تئوری شوازی و تجارت احزاب برادر، به ویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی، راهگشای شوازی به لحاظ تئوریک و عملی، بهره می‌گیریم. در این میان بر ماروش است که در روندهای اجتماعی عمیقی که در برخی کشورهای سوسیالیستی در جریان است (خواه بر آن بر سر ویکا - شوازی - نام نه‌نیدانه)، تنها عناصر عام باو‌تایب نمی‌یابد، بلکه شرایط مشخص و ویژگیهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملی، ایفاء نقش می‌کنند. بنابراین باید در استفاده از تجارب دوستان این را در نظر گرفت که چه چیز آن ویژه و غیر قابل کاربست در شرایط ماست.

روشن است که در روند تحولات، عمل ما همواره باید با موقعیت مشخص، ویژگی رشد و وضعیت کنونی جامعه انطباق داشته باشد. بطور نمونه، من جبهه ملی و احزاب غیر کمونیست در چکسلواکی را مد نظر دارم - واقعیتی که مثلاً در بررسی نظام سیاسی باید بدان توجه کرد - و با سلاح تحقیق یافته کشاورزی سوسیالیستی و نقش تعاون که در جمهوری ماسنتی دیرینه دارد. اما توجه به این شرایط و سایر ویژگی‌ها نباید بدان بیانجامد که به عنصر عام، که چهره شوازی را تشکیل می‌دهد، یعنی دستیابی به موقعیت کیفیتا ثوبی در سوسیالیسم، کم بهاداده شده و یا حتی این عنصر عام نادیده گرفته شود.

مشخصه سراسر دوره پیش از فوریه، مبارزه میان نیروهای ترقیخواه و ارتجاعی بر سر خصلت دمکراسی در چکسلواکی بود. مبارزه بر سر این بود که در جمهوری رهایی یافته، نظامی و اقتصادمکراتیک ایجاد شده، قدرت در عمل متعلق به خلق خواهد بود یا یک دمکراسی صوری برپا خواهد شد. حزب کمونیست می‌کوشید شرایطی فراهم آورد که دهها هزار شهروند از طریق کمیته‌های ملی در اداره دولت شرکت کنند و بر مبنای جبهه ملی، به هدایت امور اجتماعی بپردازند. استفاده از نهادهای موجود دمکراتیک و ایجاد و تدبیم نهادهای جدید (کمیته‌های ملی، شوراهای کارخانه‌ها، سازمانهای اجتماعی واحد) به رشد بی‌سابقه فعالیت سیاسی توده‌های مردم انجامید.

تجارب تاریخی دوره پیش و پس از فوریه نشان داد، دمکراسی، شرط پیشرفت سوسیالیسم است. بدون افرای می‌توان گفت دمکراسی پیش شرط پللا واسطه این پیشرفت است. درستی این حکم امروز که تحولات عمیق در جامعه ما به ادامه تکامل دمکراسی سوسیالیستی، به تحقق همه‌جانبه اصول خودگردانی و کار نظام دولتی و نیز ارکانهای جبهه ملی و سازمانهای وابسته بدان، در اداره اقتصاد و در عرصه فرهنگی بستگی دارد، به روشنی نمایان است. ◀

بود (مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۲۲). هدف این توصیه لغین این است که رابطه تشکلات فکری با توده‌ها حقا و از نشریات و روایات آنها اطلاع حاصل شود حزب باید به صدای آنها بیشتر توجه کند و آن را در نظر گیرد.

امروز که می‌خواهیم زندگی اجتماعی را دمکراتیزه‌تر کنیم، نقش جبهه ملی به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. باید در وهله اول ارگانها و سازمانهای عضو جبهه ملی سهم بیشتری در شکل دادن به مشی سیاسی ایفا کنند. بدین منظور آنها باید به هر چه مربوط به پیشنهادهایی برای حل مسائل دارای اهمیت کل اجتماعی و یا محلی ارائه، و در بررسی طرحها و مصوبات دولت، وزارتخانه‌ها و کمیته‌های ملی درباره مسائل مهم جامعه سوسیالیستی و اشتقاقات شهروندان، کمک کنند. در این میان، سازمانهای اجتماعی باید نقشی بسیار مهم ایفا کنند. وظیفه آنها این است که از منافع و ویژه مردم دفاع کنند. آنها می‌توانند کمک موثرتری به قرارداد دادن مسائل مبهم در دستور کار و بازتاب دادن عقاید و نظرات متنوع معمول دارند. از این طریق نیل به نتایج درست و مطلوب برای ارگانهای زیربط سهل‌تر خواهد شد ما باید راهیایی برای تعمیق دمکراسی سوسیالیستی جستجو کنیم زیرا در جامعه ما منافعه متفاوت و تضادهایی وجود دارد که خود را در تقویم نظرات نشان می‌دهند. پلورالیسم سوسیالیستی، که از دمکراتیزه کردن جدایی‌ناپذیر است، در بازتاب یافتن و بررسی این نظرات تبلور می‌یابد. این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که ما بکدام یک پلورالیسم سیاسی به ما تمایل شود. مسئله قدرت در کشور ما در همان چهل سال پیش حل شد.

فوریه ۱۹۴۸ نشان داد، ح. ک. چ توانست اعتماد توده‌های مردم را جلب کند و آنها را در باره درستی موضعه خود متقاعد سازد. در این رابطه، سیاست صریح ما و علینیت آن نقش مهمی را ایفا کرد. حزب شیوه‌های مختلفی برای تشریح پیشنهادهای خود - بعنوان مثال در باره اصلاحات ارضی، اجرای سیاست ملی کردن، مالیات و دستمزدها - برای زمینکنان یافت و افکار عمومی را برای مبارزه جهت تحقق آنها بسیج کرد. در شرایط امروضا می‌کشیم اصل علینیت را در فعالیت همه سازمانها و ارگانهای دولتی، اقتصادی و اجتماعی - چه در مرکز و چه در پایه - بطور حتی المقدور همه‌جانبه تحقق بخشیم. تاکنون این روند بطور شاموزون پیش رفته است. کم پیش نمی‌آید که مردم از کارا عالی‌ترین ارگانهای حزبی و دولتی بیشتر از کار ارگانها و سازمانهای محلی قدرت اطلاع دارند. گاه از اصل علینیت تفسیر محدودی به عمل می‌آید و تنها به کارسانه‌های گروهی منحصر می‌گردد. البته رسانه‌ها اخیرا کارهای مفید زیادی انجام داده‌اند، اما به همین اندازه نیو اشکال کار سیاسی توده‌ای فقیر تمام مستقیم با زمینکنان، گزارشدهی کادرهای مسئول درباره کار ارگانهای دولتی و غیره در گردهمایی‌های شهروندان و غیره امین دارد. این به هیچ وجه گفته نشده است.

چکسلواکی سوسیالیستی امروز کشوری به لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته و دارای سطح زندگی مادی و فرهنگی نسبتا بالایی است. اما در اقتصاد، مسائل جدیدی پیش می‌آید که مستلزم تصمیماتی است. امروزه امکانات رشد کسرتشی (اکستنسور) به پایان رسیده است، حزب ما وظیفه خود می‌داند رشد عمقی (اینتنسور) اقتصاد را تأمین کند. از این رومها فکونه که در کنگره ۱۷ ح. ک. چ تصویب شد، بقیه در صفحه ۱۴

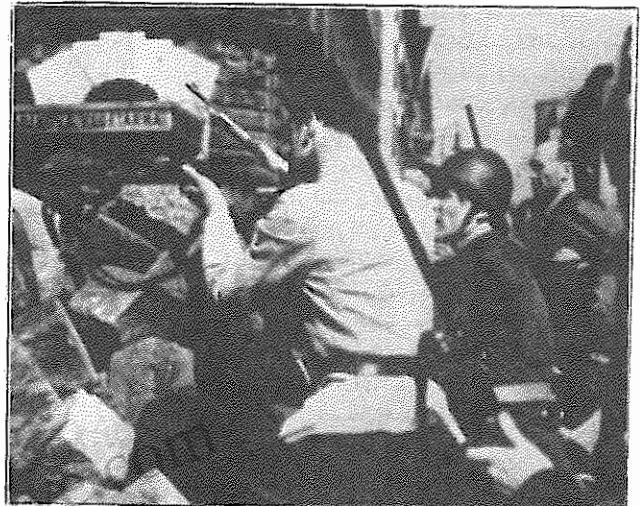
توسعه افکار عمومی) - در چارچوب کنی دولتی و در سطح محلی هر چه بیشتر گسترش می‌یابند. ما دمکراتیزه کردن را روندی همه‌جانبه می‌دانیم. این روند نمی‌تواند به سیاست محدود بماند، بلکه باید همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، به ویژه عرصه اقتصاد، را کاملاً دربرگیرد. در وهله اول باید مشارکت زمینکنان در اداره کارخانه‌های دولتی و تعاونی‌ها برپایه اصول خودگردانی سوسیالیستی گسترش و تعمیق یابد. بعنوان نمونه در کارخانه‌های دولتی طبق طرح قانونی که در همین سال

جاری باید تصویب شود، در آینده ارگان‌های خودگردانی مانند اجلاس کلکتیو کار و شورا، منتخب آن وجود خواهد داشت. این ارگان‌ها منظر خواهند بود مسائل عمده کارخانه‌ها تقیابری کنند، بلکه درباره آنها تصمیم بگیرند. برای آنکه خودگردانی در کارخانه‌ها مادیات یابد، تغییر نظام مدیریت اقتصاد اهمیت زیادی دارد. باید هرگونه تمرکز غیر ضروری را که محدودکننده استقلال است برطرف کرد و سانسوری اقتصادی، خودکفایی مالی و توزیع مستقل بوده را معمول داشت. از این طریق، کلکتیو‌ها، کار بطور مستقیم در نتایج کار اقتصادی منفعت مادی می‌یابند. روشن است که خودگردانی در تولید در شرایط مکانیزم جدید اقتصادی، ضرورتی عینی است. این نظام دمکراتیک به کارگز امکان می‌دهد و اقا آقای کارخانه و کارگاه خود باشد.

جبهه ملی که پس از فوریه نیز به موجودیت خود به عنوان شکل سیاسی زندگی اجتماعی ما در راه پیشروی به سوی سوسیالیسم ادامه داد، فضای کافی برای شرکت همه شهروندان، اعم از حزبی‌ها و غیرحزبی‌ها، در اداره امور دولت سوسیالیستی و جامعه فراهم می‌کند. سیاست جبهه ملی برای ح. ک. چ یک مشی اصولی است زیرا بر مبنای سخت‌ها و شرایط ما این تضمین را به وجود می‌آورد که سوسیالیسم واقعا کار توده‌های مردم باشد. ما موضعه آنهایی را که به نقش این اتحاد کم بها می‌دهند و بعنوان کموفیست، به اعضای سایر احزاب و غیرحزبی‌ها برخوردی، تفرعن آمیز دارند، نادرست می‌دانیم.

باید متذکر شد که بهترین نمایندگان احزاب غیرکمونیست که به آرمانهای جبهه ملی وفادار ماندند، در پیروزی زمینکنان سهم بودند و بعدها همراه با ح. ک. چ در ساختمان سوسیالیسم مسئولیت مشترک داشتند. آنها باید باوهم فعال‌تر در جبهه ملی کار کنند و بیشتر به ابتکارهای سازنده دست یازند. همین امر در مورد غیرحزبی‌ها صادق است. حزب ما همواره کوشیده است همکاری آنها را جلب کند. می‌دانیم که لغین برای جلب غیرحزبی‌ها و کنترل کار اعضای حزب توسط غیرحزبی‌ها ضرورت مطابق قائل

در تعیین دمکراسی سوسیالیستی در چکسلواکی کمیته‌های ملی که پایه‌های دولت ما را تشکیل می‌دهند، کماکان اهمیت محوری دارند. تقویت نقش آنان به مثابه شهادهای دمکراتیک خودگردانی، به میزان زیادی بسته بدان است که حقوق و وظایف آنها تا چه حد و میزان واقعی شرکت نمایندگان و همه شهروندان در حل مسائل مهم زندگی در روستا، در شهر، در شهرستان و یا در منطقه، در تحقق تدابیر اتخاذ شده چقدر باشد. کم بهادادن به هر یک از این جوانب،



قیام مردم بر آگ علیه اشتغالگران فاتیست ماه مه ۱۹۴۵

اصل خودگردانی کمیته‌ها را تضعیف می‌کند. اگر اختیارات کمیته‌ها محدود باشد، اشکال دمکراتیک (اجلاسها، کمیونتها، کارنمایندگان) بی‌ثمر است. همچنین اگر در کمیته‌های ملی بخش زیادی از کار را دستگاه حرفه‌ای به جای ارگانهای کلکتیو که از نمایندگان منتخب مردم و سایر شهروندان تشکیل می‌شود، انجام دهند، این امر تاثیر منفی می‌گذارد. تجارب نشان می‌دهد که کمیته‌های ملی تقی زمانی موفق خواهند بود که محتوای کار آنها و اشکال دمکراتیک آن در وحدت بایکدیگر باشد.

ما کماکان به این اهمیت می‌دهیم که در آینده قیو مناسبات درستی میان ارگانهای نمایندگان محلی و ارگانهای اجرایی تابه آنها برقرار کنیم. تا بحال ارگانهای اجرایی گاه نفوذی بیش از حد یافته‌اند. کارکنان حرفه‌ای کمیته‌های ملی موافقت در اجرای وظایف خود از اداره ارگانهای نمایندگان جمعی تبعیت کنند و مظاهر بوروکراتیسم را ریشه کن سازند. همه کامنت گتوالد کماکان به قوت خود باقی است، "وجود مردم برای دستگاه اداری نیست، وجود دستگاه اداری برای مردم است."

وقتی به دمکراسی مبتنی بر انتخاب نمایندگان، وزن لازم را می‌دهیم، این امر به هیچ وجه بدین معنی نیست که به نهادهای دمکراسی مستقیم و بلافاصل کم بها بدهیم. برعکس، همانگونه که رویدادهای پیش و پس از فوریه نشان می‌دهد، این نهادهای دمکراتیزه کردن کل زندگی اجتماعی کمک می‌کنند. بدون تردید نهادهای دمکراسی مستقیم - چه در مورد تصمیم‌گیری، مستقیم و چه در مورد انجام مشاورها و نظروااهی‌ها (مثلا بررسی طرح قوانین

ناآرامی در قره‌باغ

هفته گذشته منطقه خودمختار قره‌باغ در جمهوری ارمنستان شوروی شاهد ناآرامی‌هایی بود که ریشه در برخوردهای بین ملیت‌ها داشت.

در مرکز این منطقه درگیری‌هایی بین آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها پیش آمد که در رساله‌های شهری قرب به نحو علنی می‌پوشیده شد.

منطقه قره‌باغ پس از انقلاب اکتبر زیر پوشش جمهوری آذربایجان قرار گرفت و در سال ۱۹۲۲ یک منطقه خودمختار اعلام شد. مطابق با قوانین شوروی، یک منطقه خودمختار، منطقه‌ای است که به دلیل بافت ملی اهالی ساکن در آن از خودمختاری برخوردار است و در عین حال به یک جمهوری شوروی تعلق دارد. ارکان دولتی در چنین منطقه‌ای شورای نمایندگان و حاکمستان منطقه است. کمیته اجرایی شورای نمایندگان پیش برنده امور اجرایی در منطقه است. در شوروی هشت منطقه خودمختار وجود دارد.

منطقه قره‌باغ (خاگورنو کاراباخ) قره‌باغ کوهستانی) دارای ۱۶۰۰۰ نفر جمعیت از ۴۹ ملیت است. دو ملیت اصلی، آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها هستند.

در روز ۱۲ فوریه در مرکز منطقه قره‌باغ تظاهراتی از سوی دانشجویان و دانش‌آموزان برگزار شد. در روزهای بعد نیز حرکات مشابهی صورت گرفت. در روز ۲۰ فوریه گروهی از نمایندگان شورای منطقه تصمیم گرفتند منطقه قره‌باغ را جزو جمهوری شوروی ارمنستان اعلام کنند. اما طبق قانون اساسی اتحاد شوروی ارکان نمایندگی خلق در یک جمهوری می‌تواند این تصمیم را لغو کند.

در هنگام بروز ناآرامی در قره‌باغ، چندین تظاهرات نیز در ایران، مرکز جمهوری ارمنستان برگزار شد. آناتولی لویکوف و ایوان دویکنش، دو دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با آن دسته از اهالی که خواهان پیوستن قره‌باغ به جمهوری ارمنستان بودند، مذاکره کرده و خواسته‌های آنها را به کمیته مرکزی گزارش کردند.

با بروز ناآرامی، رهبری حزب کمونیست آذربایجان از خود اعتقاد کرد که چرا با مسائل منطقه خودمختار قره‌باغ برخورد مطلقانه‌ای داشته است و به مشکلات توجه کافی نکرده است. در روز چهارشنبه مسئول حزب در منطقه، بوریس کورکوف، از کار برکنار شد.

در اواخر هفته، بویژه پس از پیام رادیو-تلویزیونی میخائیل گارباجف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ناآرامی‌ها فروکش کرد. میخائیل گارباجف در پیام خود از خلفای آذربایجان و ارمنستان خواست، در حفظ آرامش منطقه بکوشند و بر تجربه تاریخ دوستی و اتحاد بین خود، متکی باشند. گارباجف در پیام خود دیدگاه لغیفیستی در زمینه حل مسائل ملی را تشریح کرد و گفت بلنوم بعد، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، بررسی مسائل ملی را در دستور کار خود قرار خواهد داد و در برطرف کردن مسائل و مشکلات موجود، خواهد کوشید.

اعتصابات گسترده کارگری در آلمان فدرال و برلین غربی



و رفتگران در آلمان فدرال و برلین غربی بود. اعتصاب را تعدادی از اتوبوسها، ترامواها و متروها ۲۰۰ شهر آلمان فدرال و نیز برلین غربی را دربرگرفت. خواسته اصلی ۲۰۰۰۰ شرکت کننده در اعتصاب بخش حمل و نقل عمومی کاهش ساعات کار به میزان ۲۵ ساعت در هفته بود.

اکنون همه سفیدکاهای آلمان فدرال مبارزه برای ۲۵ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزدها را در دستور کار خود قرار داده‌اند. سال جاری، فراوانی در مبارزات کارگری آلمان فدرال خواهد بود.

عصر روز سه‌شنبه ۲۲ فوریه دوشهر راین‌هاوزن و دورتموند به فاصله ۸۰ کیلومتر به وسیله یک رنجبر اضافی از کارگران فولاد کار به همدیگر متصل شد. در این راهپیمایی عظیم که مشعلهای فروزان بدان شکوه و صلابت خاصی داده بود، ۸۰ هزار نفر شرکت داشتند. این راهپیمایی در ادامه مبارزات چندماهه فولادکاران منطقه رور آلمان فدرال، برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه‌های فولاد و اخراج جمعی کارگران، برگزار گردید.

هفته گذشته همچنین شاهد اعتصاب همدارمده یکپارچه کارکنان وسایل حمل و نقل عمومی، پرستاران

دینا گریسک الکساندرا

بقیه از صفحه ۱۲

جهان می‌شد، خاتمه خواهد داد. طبیعی است که از جانب حزب کار سیاسی - ساوماتی و ایدئولوژیک - تربیتی شدیدی، لازم است تا برخی تصورات ساده‌فکرانه از میان برود (بعنوان نمونه، برخی‌ها تضمین‌های اجتماعی برای شروندان را با پوریک‌جانبه شویی حق مطلق و مستقل از عدالت اجتماعی می‌دانند). ما لازم می‌دانیم اصول مکافیزم جدید اقتصادی را بطور کامل به کرسی بنشانیم.

راهی که ما طی کرده‌ایم و شرایط حاضر نشان می‌دهد که درسهای فوریه برای ما کمونیست‌ها، چکسلواکی دارای اهمیت ماندگاری است. ما بدین میراث تکیه می‌کنیم و آن را در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی گسترش می‌بخشیم. ما از یاد نخواهیم برد که طبقه کارگر و متحدانش چهل سال پیش چگونه توانستند پیروز شوند. حزب کمونیست، تئوری مارکسیسم - لنینیسم و دیالکتیک انقلاب را جلافاشه گسترش داد و به کار بست، مشارکت واقعی و حاکمستان در اداره زندگی اجتماعی را تضمین کرد و نیروها را بر روی وظایف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک عمده متمرکز کرد.

این تجارب برای ما ارزشمندند و امروز که ما برای حل مسائل فوسازی در حقیقت ادامه انقلاب سوسیالیستی - مبارزه می‌کنیم، اهمیت بیشتری می‌یابند.

لازم است نظام مدیریت اقتصادی، مبتنی بر دستوردهی گذشته به کنار گذاشته شود و مکافیزم اقتصادی، متحول گردد. اصول فوین آن با مصوبه دسامبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی ج. ک. چ مورد تأیید قرار گرفت. این اصول بعنوان نمونه بر اندیشه‌هایی نظیر کار بست شیوه‌های عمدتاً اقتصادی مدیریت، استفاده از مقاسبات کالا - پول و استفاده از برنامه، تکامل بخشیدن به مدیریت مرکزی و تقویت استقلال کارخانه‌ها و نیز تعمیق دموکراسی در واحدهای اقتصادی، استوارند.

بدیهی است در برقراری مکافیزم جدید اقتصادی اصل‌گانه‌ها و دشواریها پدید خواهد آمد، زیرا این مکافیزم دربرگیرنده تحولاتی است که مستلزم دست کشیدن از برخی عادات و افکار شکل گرفته و ریشه دوانده در طول دهه‌هاست. یک ضمیمه، مسئله عدالت اجتماعی در مقاسبات توزیع است. همه می‌دانند که در کشور ما برابری مصفوعی رواج داشته و اغلب به کمیت و کیفیت کار توجهی نشده است. در این مورد، کار بست حسابرسی کامل اقتصادی الزاماً به تغییرات اساسی و ایجاد فاصله میان حقوق و دستمزدهای انجامد. اجرای اصل خودکفایی مالی، تفاوتها در شتایچ کارتنک نک کارخانه‌ها را نشان داده و به روال معمول گذشته که در آن کار تمام با ضرر تعدادی، با کار خوب دیگران

گئورگیوس واسیلیو رئیس جمهور تازه قبرس

در انتخابات ریاست جمهوری در قبرس، گئورگیوس واسیلیو، یک کاندیدای مغفرد که وابسته به هیچ حزبی نیست، با کسب ۵۱/۶۲ درصد آرا بر رقیب خود آو حوب محافظه کار "مجمع دموکراتیک" پیروز شد. گئورگیوس واسیلیو، مورد حمایت آکل (حزب پیرو زحمتکش قبرس) که حوب کمونیستهای این کشور است، قرار گرفته بود. آکل قویترین حزب در قبرس است.

بودجه امسال دولت آمریکا

ریگان آخرین طرح بودجه دوره ریاست جمهوری، خود را در اختیار کنگره گذاشت. طرح بودجه سال مالی تازه آمریکا که از اول اکتبر ۱۹۸۸ آغاز می شود - با ۱/۱ میلیارد کسری، رکورد تازه ای را در این زمینه به جا نهاده است.

در طرح بودجه تازه ۲۹۹/۵ میلیارد دلار به یکتاگون اختصاص داده شده است که ۸/۵ میلیارد دلار از سال پیش، بیشتر است. مطابق با این طرح پنج میلیارد دلار صرف تحقیقات مربوط به "چنگ ستارگان" و ۸/۷ میلیارد دلار صرف تولید کلاهکهای هسته ای خواهد شد.

با در نظر گرفتن طرح بودجه تازه، قروض دولتی دوره هشت ساله ریاست جمهوری س. ر. ۱۴۶۰ میلیارد دلار می شود که اکنون در مجموع بخود برابر است با ۲۱۰۰ میلیارد دلار و ۲۹۰ رئیس جمهور پیش از ریگان در مجموع ۷۱۵ میلیارد دلار قرض بالا آورده بودند.

مذاکرات بالکان

برای نخستین بار در تاریخ پس از جنگ جهانی دوم، در هفته گذشته وزرای خارجه کشورهای منطقه بالکان در بلگراد گرد آمدند و مسائل این منطقه را مورد بررسی قرار دادند. یک نکته مهم تازه، شرکت وزیر خارجه آلبانی در این گردهمایی است. علاوه بر وزیر خارجه آلبانی، وزرای خارجه بلغارستان، یوشان، رومانی، ترکیه و یوگسلاوی در این اجلاس شرکت داشتند. در این اجلاس وزرای خارجه آلبانی، بلغارستان، یوشان و رومانی پیشنهاد کردند که منطقه بالکان، منطقه عاری از سلاحهای اتمی اعلام شود. این پیشنهاد در اساس مورد موافقت یوگسلاوی قرار گرفت اما هیات نمایندگی ترکیه شدیداً با آن مخالفت کرد.

آدمکشی های راست گرایان در کلمبیا

در هفته های گذشته دست کم ۲۰ نفر به دست باندهای فاشیست در کلمبیا به قتل رسیده اند. این باندهای آدمکش تحت حمایت مستقیم ارتش قرار دارند. کشته شدگان عمدتاً از اعضای اتحادیه میهنی هستند که یک سازمان ائتلافی چپ است. در ۲۰ ماه گذشته ۵۷۰ نفر از اعضای برجسته این سازمان به دست راست گرایان کشته شده اند.

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا

تاکنون نتایج کار آن رضایت بخش بوده است. تفرقه در صفوف کمونیستهای اسپانیا نتیجه تاثیرات مخرب نفوذ اروتوموفیس است. اکنون سافتیائو کاریلو، دبیرکل پیشین حزب کمونیست اسپانیا، که از مبلغین اصلی اروتوموفیس بود، در رهبری حزب کارگر نشسته و یک خط سوسیال دموکراتیک راپیش می برد.

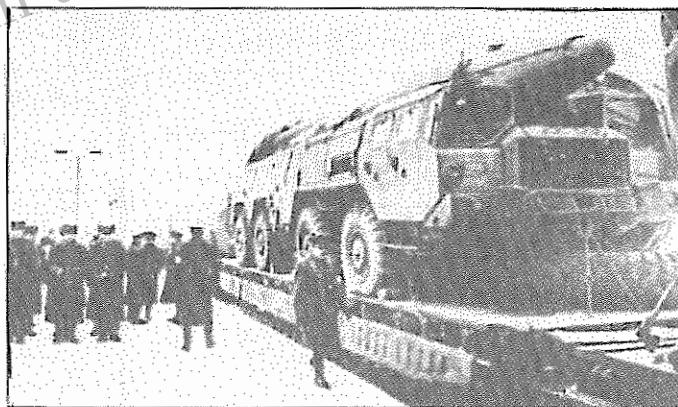
کنگره حزب کمونیست اسپانیا در روز دوشنبه ۲۲ فوریه به کار خود پایان داد. پس از یک سلسله مباحثه طولانی رفیق خولیا آنتیکتا به عنوان دبیرکل حزب انتخاب شد. کنگره مجدداً رفیق دولورس ایباروری را به عنوان صدر حزب برگزید.

در دوازدهمین کنگره حزب کمونیست اسپانیا نمایندگان ۷۰ حزب از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا یک هیات از سازمان مانیز در کنگره دوازدهم این حزب شرکت داشت.

موشکهای اس ۱۲ - برچیده شدند

از اروپا برچیده خواهند شد، به تصویب فرساده است. پیشقدم شدن شوروی برای برچیدن موشکهای اس ۱۲ - مورد استقبال گرم فیروهای صلح دوست قرار گرفت و به ویژه در آلمان فدرال انعکاس گسترده ای یافت. عکس زیر صفحه ای از انتقال موشکهای اس ۱۲ مستقر در آلمان دموکراتیک را نشان می دهد.

اتحاد شوروی، موشکهای اس ۱۲ - مستقر در خاک آلمان دموکراتیک و چکسلواکی را برچیده و این موشکها را به شوروی انتقال داد. برچیده شدن این نوع موشک برد متوسط در حالی صورت گرفته است که هنوز کنگره آمریکا قرارداد واشنگتن را، که به امضاء میخائیل گارباچف و ریگان رسیده است و بر طبق آن موشکهای اتمی برد متوسط آمریکا و شوروی



سرکوبگری های تازه در آفریقای جنوبی

فیو به چنگ جنبش کارگری در آفریقای جنوبی برود. اکنون یک عرصه مهم رزم کارگران، مبارزه با این قانون کار و خنثی کردن تلاشهای فزادپرستان برای سرکوب جنبش کارگری در آفریقای جنوبی، به عنوان رکن اصلی مبارزه علیه آپارتاید است.

در روز چهارشنبه هفته گذشته رژیم فزادپرست فعالیتهای جبهه متحده دموکراتیک (یو.دی.اف) که بزرگترین سازمان علفی ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی است، و ۱۶ سازمان ایوویسیون دینتر را ممنوعه اعلام کرد. در فرمان صادره از سوی رژیم آپارتاید، کوواتر، اتحادیه کارگران سیاه پوست فیو از پرداختن به امور سیاسی منع شده است.

رژیم فزادپرست آفریقای جنوبی بر آن است قانون کار تازه را به مورد اجرا بگذارد. در قانون کار تازه، حق اعتصاب عملاً لغو شده است. اعتصاب صرفاً پس از مذاکرات حلوانی با کارفرمایان - دست کم یک ماه - موجه خواهد بود. اعتصاب کارگران یک کارخانه در حمایت از کارگران کارخانه های دیگر ممنوع است و اگر اعتصابی جبهه "قانونی" (۱) پیدا نکند، سندیکی مربوطه باید خساراتی را که متوجه کارفرما می شود، جبران کند. قانون کار تازه تصمیم گیری، برای اخراج کارگران را بر عهده سرمایه داران نهاده و اعتصاب در حمایت از کارگران اخراجی را ممنوع کرده است. رژیم فزادپرست می خواهد با اسلحه قانون کار

گسترش اعتصاب غذا در زندانهای سیاسی ترکیه

بازداشتگاه "اسکی شهر" دست به اعتصاب غذا زدند.

شکجه و آزار جسمی زندانیان در ترکیه همچنان ادامه دارد. اخیراً وزیر کشور ترکیه اعلام کرد که موقوفه کتک زدنی را نمی‌توان شکجه فامید! مطابق با آئین‌نامه صادره از سوی وزارت کشور شکجه به فوجی آزار جسمی می‌گویند که در آن فرد شکجه شده ۱۵ روز بر روی تخت بیمارستان بیفتند. این آئین‌نامه اخیراً منجر به تبرئه دو پلیس شد. دو پلیس یک زندانی را آزار شکجه کرده بودند که هفت روز در بیمارستان بستری شد. موضوع افشا شد و رژیم ترکیه که می‌خواهد رست دموکراتیک بگیرد حاضر شد به شکایت زندانی توجه کرده و دو پلیس مذکور را به دادگاه بفرستد. اما دادگاه دو پلیس را مطابق با آئین‌نامه وزارت کشور، تبرئه و کارخانیاتکارانه آنها را وظیفه معمولی پلیس اعلام کرده.

در دومین هفته‌ماه فوریه ۲۰۰۰ زندانی سیاسی در زندان نظامی دیاربکر واقع در جنوب شرقی ترکیه دست به اعتصاب غذا، فامحدود زدند. زندانیان خواسته‌های خود را از اینقرار اعلام کردند:

– شکجه جسمی زندانیان باید خاتمه یابد.

– مکالمه به زبان کردی خاصه با ملاقات کنندگان باید آزاد باشد.

– نامه‌های زندانیان نباید سانسور شود و زندانیان باید از جمله آزاد باشند که به مطبوعات نامه بنویسند.

– زندانیان حق دارند هر کتابی را که خواستند به وسیله ملاقات کنندگان وارد زندان کنند.

اعتصاب غذای زندانیان زندان دیاربکر دیری نپایید که در همه جا بازتاب پیدا کرد و به زندانیهای دیگر سرایت یافت. در هفته گذشته زندانیان زندان "سیاک ملچی‌لر" در استانبول و نیز زندانیان

تظاهرات ایرانیان
در مقابل کارخانه اسلحه سازی بوفوش

با افشای فروش بیغمانی اسلحه (توب و موتک) از طرف کارخانه سوئیسی "بوفوش" به جمهوری اسلامی، موجی از اعتراض محافل مترقی سوئیس برانگیخته شد. به دنبال این ماجرا یک هیأت شش نفره فرستادگان رژیم خمینی به‌طور غیررسمی قسمت مواد شیمیایی کارخانه مزبور را مورد بازدید قرار داد و در مورد کمک این کارخانه برای ترمیم کارخانه تولید مواد شیمیایی اصفهان که بر اثر بمباران هواپیماهای عراقی آسیب دیده است مذاکره کردند و جمعی از ایرانیان مقیم شهر کارل سکوکا واقع در ۵۰ کیلومتری کارخانه "بوفوش" به محض اطلاع از دیدار هیأت رژیم خمینی روز هفتم فوریه در مقابل کارخانه دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان افشا کردند که رژیم خمینی از کارخانه اصفهان درخواست تولید مواد شیمیایی در خدمت جنگ استفاده می‌کند و کمک به ترمیم آن کمک به جنگ ویرانگر و غیر انسانی ایران و عراق است. ایرانیان تظاهر کننده از مسئول اطلاعات کارخانه خواستند که به سوالات آنها پاسخ دهد. وی مجبور شد در جمع تظاهر کنندگان حضور یافته و پاسخگوی سوالات آنها باشد. وی اعلام کرد که به میات ایرانی جواب منفی داده شده است.

این تظاهرات در روزنامه‌های پرتیر از استان "اوره‌برو" بازتاب یافت.

صهیونیسم، گروه ضربت امپریالیسم

کنستانتین والتینوف

در سال ۱۸۹۷ کنگره موسس سازمان جهانی صهیونیستی در شهر "بال" (در سوئیس) تشکیل گردید. کنگره برنامه سازمان را به تصویب رساند. اهداف عمده و عرصه عمل سازمان مذکور بیافکر ایدئولوژی، سیاست و یراتیک بورژوازی بزرگ یهود است که در برنامه آن تبلور یافته است. این برنامه تاحال چندین بار تغییر کرده اما اصول بنیادی صهیونیسم دست نخورده باقی مانده است.

صهیونیست‌ها بنابر نظریه ارتجاعی "ملت جهانی یهود" و "برتری نژادی" تلاش می‌کنند با مداخله جویی در امور خائیان را تابع سیاست استعماری خود نمایند. سازمان جهانی صهیونیستی مدعی رهبری تمام یهودیان جهان صرف نظر از

محل سکونت و تابعیت آنانست. کمیته اجرایی سازمان جهانی صهیونیستی دارای دو دفتر مرکزی، در فویورک و بیت المقدس است. تمام سازمان‌های صهیونیستی تابع سازمان مذکور هستند مثلاً "آژانس یهود برای اسرائیل" جز جدائی‌ناپذیر آنست و در چهل کشور سرمایه داری شعبه دارد. سازمان‌های یهودی بورژوا فاسیونالیستی که خود را "غیر صهیونیستی" می‌خوانند وابسته "کنگه جهانی یهود" هستند. "کنگه جهانی یهود" با "سازمان جهانی صهیونیستی" و "آژانس یهود برای اسرائیل" در تمام کارزارهای تبلیغاتی و سیاسی صهیونیستی همکاری می‌کند. "سازمان جهانی صهیونیستی" دارای بخش‌های جاسوسی و خرابکاری بقیه در صفحه ۱۰

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	☐	
۲۴	۲۱	☐	یک ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	☐	
۵۸	۵۲	☐	شش ماهه
۱۱۵	۱۰۲	☐	یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.197

MONDAY, 29 FEB, 88

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید